www.takbook.com

تألیف: ژوزه روژر

ترجمه: بهرام ری‌پور

دستور زبان سینما

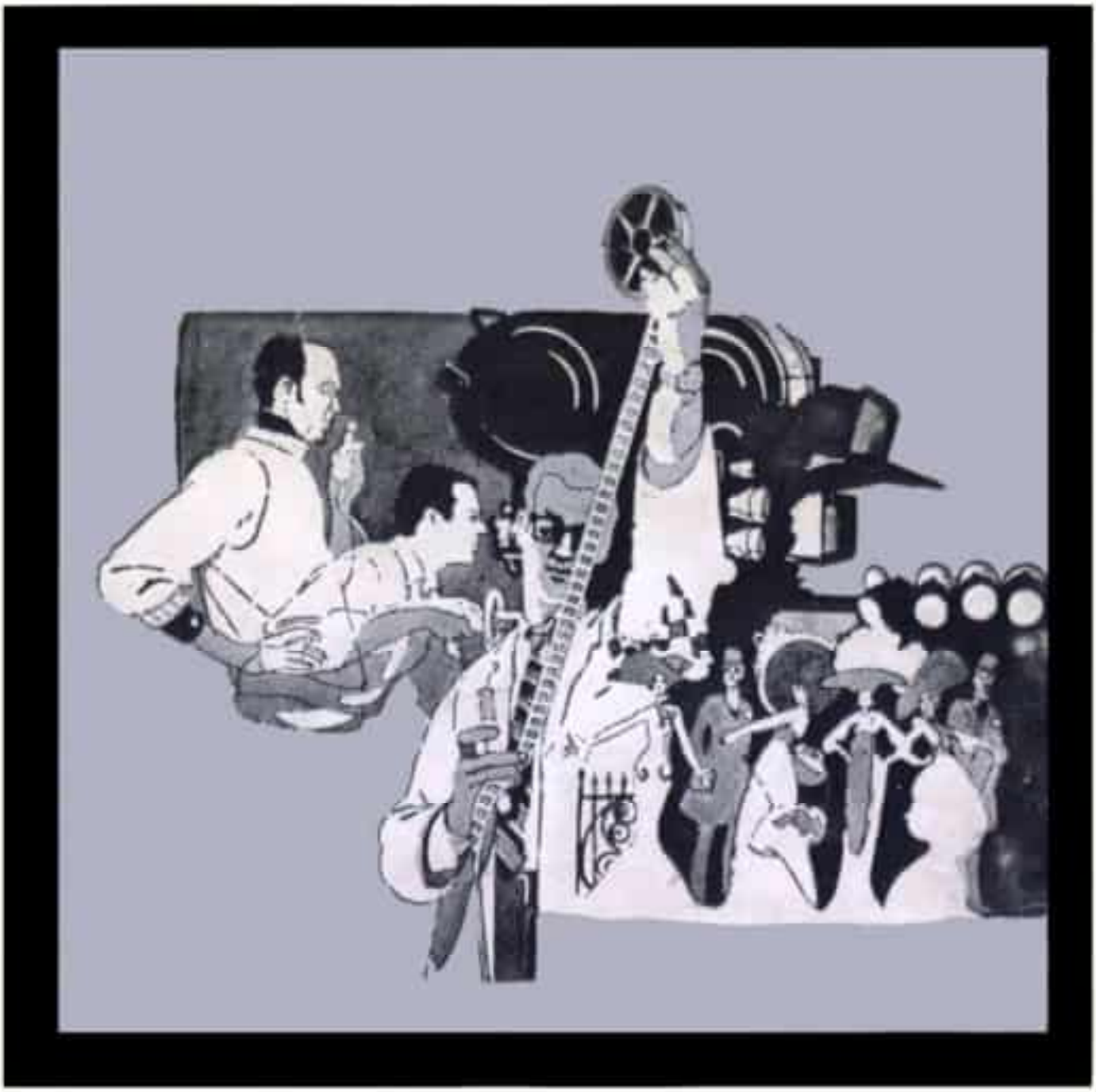

www.takbook.com

دستور زبان سینما

تألیف : Jose Roger
ترجمه : بهرام ری‌پور

www.takbook.com

چاپ اول این کتاب بسرمایه موسسه مطبوعاتی صدف در
۴۰۰۰ نسخه دراسفندماه ۱۳۵۱ درچاپخانه تهران‌مصور
پایان یافت

www.takbook.com

«دستور زبان سینما» ترجمه کتابی است بنام Grammaire du Cinema تألیف Jose Roger که در آن اجزاء متشکل درساختمان یك فیلم مورد تجزیه و تحلیل «دستوری» قرارگرفته است. در این کتاب که «دستور»ی برای «زبان سینما» است، خواننده بسیاری از نکات ومسائلی راکه در تشخیص و تفکیك ارزش آثار سینمائی با آنها روبروست خواهد شناخت و بکمك این «دستور» زبان سینما را صرفنظر از آنچه تصویر نشان میدهد و فهم آن مستلزم معلوماتی نیست، بخوبی درك خواهد کرد و به دقایق و ظرایف آن پی خواهد برد.

«۱»

مقدمه

خواندن را چگونه می‌آموزیم؟

برای کودکی که باید از ترکیب چند حرف در ذهن خود کلمه‌ای را که تجسم یك حقیقت زنده است، ساخته و آن را برای همیشه در مخیله خود محفوظ نگه دارد فرا گیری «خواندن» مستلزم صرف وقت فراوان است. این امر درواقع اولین رابطهٔ کودك بادنیای علوم وکشفیات است.

بهمان ترتیب که از حروف ك ـ ش ـ ت ـ ی کلمه «کشتی» بدست می‌آید وکودك شکل واقعی این کلمه یعنی شیئی عظیم وجسیمی که اقیانوسها را میپیماید وهزاران نفر با آن بمسافرت میپردازند، در ذهن خود مجسم میکند،

www.takbook.com

وقتی خواندن را بخوبی آموخت ، چنین میپندارد که بدنیائی پراز اسرار وشگفتیهاکه درون صفحات کتاب مخفی بوده راه یافته است .

کودك درمرحله اول فراگیری ، معانی مطالب درون کتب، روزنامه‌ها وحتی بسیاری از محاورات رادرك نمیکند و برای فهم این مطالب باید مدتها آموختن را ادامه دهد .

کودك بعدازآنکه «کلمه» راشناخت «جمله» وسپس فعل‌را که بیان‌کننده اعمال و حرکات است و آنگاه ضمایر ومتمم‌هارا می‌آموزد وبعد ازاین مرحله واردمباحث صرف ونحو شده و ساختمان‌کلی جملات را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد . آنگاه وزن و ریتم موجود در جملات را مطالعه میکند واز این راه سبك و استیل نویسندگان را از یکدیگر متمایز میسازد وباین نتیجه میرسد که هریك از انواع نثر تابع یك سلسه قوانین و دستورهای‌خاص میباشد باین‌شکل است که کودك سرانجام برزبان مادری و ادبیات این زبان تسلط پیدا کرده و قادر به تشخیص ارزش انواع آن خواهد بود .

www.takbook.com

چگونه تماشا کنیم ؟

همانطورکه برای درك و فهم آثار شکسپیر مطالعات و اندوختههای عمیق ادبی لازم است ، برای شناخت نکات و ظرایف پنهان فیلم «همشهری کین» میبایستی تماشاگر زبان سینما را بخوبی بداند وبدستور آن تسلط کامل داشته باشد دانستن زبان سینما و دستور آن به تماشاگر این فرصت را میدهد که فیلم را با بینش تازهای نگریسته و با فیلمساز و حرفی که مطرح کرده ، از نزدیك رابطه برقرار سازد .

سینما در بدو پیدایش (۱۸۹۵) تنها وسیلهای برای ضبط حرکات بود . امابزودی این مطلب آشکارشدکه سینما با قدرتی سحرآمیز قادر بهضبط وبیان تمام آن نکاتی است که حتی گاهی شعر و ادبیات از توصیف آن عاجز بودهاند علاوه برآن سینما قادراست لوازم واشیاء بظاهر بیاهمیت را ، بکمك امکانات خود واجد اهمیت وارزش لازم بنماید . فرضاً وجودیك رولورکه در تغییر مسیر داستان اهمیت دارد، فقط بازبان سینما میتواند بخوبی بیان گردد .

www.takbook.com

چگونه انتخاب کنیم ؟

آنچه که همواره قدرت تشخیص و درك اشخاص را نمایان میسازد ، قدرت انتخاب آنان در مسائل هنری است. درسینما نیز مانند نقاشی وادبیات بسیاری از نکات وگفتنیها در پس پرده‌ای از ظواهر وشواهد عینی پنهان است . برای دست یابی باین مطالب و حصول بآنها هیچ وسیله‌ای جز شناخت عوامل سازنده اثروجود ندارد . دراین مرحله‌است که مسئله «انتخاب» پیش می‌آید . انتخاب بهترین اثر از میان مقداری آثارهنری . تماشاگر آگاه ومطلع کسی است که فیلمی‌را برای دیدن «انتخاب» میکند و هیچگاه صرفاً برای وقت‌گذرانی بسینما نمی‌رود .

www.takbook.com

«۲»

پلان

(تصویر و کلام)

الف : تعریف

پلان عبارت است از بیان یك ایده در یك تصویر . باین معنی که در یك تصویر صحنه‌ای عرضه میشود که دقت و توجه تماشاگر نسبت به‌شیئی یا پرسوناژ موجود در آن جلب میگردد . در یك پلان درعین حال ممکن است ایده‌های مختلفی گنجانده شود . باین ترتیب :

ساده : منظره یك کوچه

مرکب : خیابان بزرگی که از برف پوشیده شده و جمعیت ووسایل نقلیه در آن عبور و مرور میکنند. در این پلان فصل یعنی زمستان و مکان که عبارت از یکی از خیابانهای شهر بزرگی است نشان داده شده است .

www.takbook.com

صرف نظر از این تقسیم بندی کلی، پلان بر حسب مطالبی که بیان میدارد انواع مختلف دارد که آنها را میتوان از نظر موضوع از یکدیگر تفکیک نمود. پلان‌ها بوسیله تداوم موضوع بیکدیگر متصل شده وشکل کلی فیلم را بوجود می آورند .

«کلام» نیز از عناصری است که اکثر اوقات با پلان تصویری همراهی میکند ، کلام مستقیماً با قوه تخیل تماشاگر رابطه دارد در حالیکه تصویر خود مبین آن چیزی است که نشان می‌دهد . از نظر دستوری کلام « معنی » و تصویر « ذات » است .

ب : اهمیت و نقش پلان

پلان از نقطه نظر دکوپاژ فیلم عبارت از آن چیزی است که دوربین فیلم برداری از ابتدا تا انتهای یك بار فیلمبرداری بدون وقفه روی نگاتیف ضبط میکند . بعبارت دیگر وقتی کلید دوربین فیلمبرداری زده میشود و دوربین شروع بکار میکند وتاوقتی مجدداً کلید زده شده و دوربین ازکار می‌افتد آنچه دراین فاصله روی نوارحساس ضبط‌شده عبارت ازیك « پلان » است. پلان را در دستور زبان سینما

www.takbook.com

میتوان با «قیود» دردستور زبان محاوره‌ای قابل‌قیاس‌دانست قیود در دستورزبان سینما عبارتند از :

قید زمان ـ این قید ، زمان وقوع داستان را بیان میدارد . فرضاً برف نشانه زمستان ، عقربه ساعت نشانه‌وقت و تقویم نشانه روز ، ماه وسال است .

قید مکان ـ این قید محل وقوع داستان را نشان میدهد . مثلا یك خیابان پرجمعیت نشانه شهری بزرگ و یایك مزرعه وکلبه‌ای چوبی نشانهٔ زندگی روستائی‌است .

قید مقدار ـ این قید تعیین‌کننده مقدار و اندازه چیزی است که مورد نظر فیلمساز است مثلا اوراق‌تقویمی که ورق می‌خورند نشانهٔ گذشت مقداری اززمان است.

قید علت ـ این قید بیان کننده علت عمل یاحرکتی است . فرضاً تماشاگران ازخود می‌پرسند : چرا این مرد ، در این‌جعبه را بازمیکند؟ پاسخ : وی ازداخل جعبه‌رولوی را بیرون می‌آورد .

ج ـ ایده های مختلف

در یك پلان ممکن است مطالب و ایده‌های مختلفی

www.takbook.com

گنجانده شده باشد ، باین ترتیب :

ساده ـ یك فکر واحد : فرضاً نمایش یك بطری.

مرکب ـ نمایش چند فکر در یك پلان : یك بطری ـ یك گیلاس ـ یك مرد مست .

ذات ـ نمایش یك شیئی برای منظور خاص .

معنی ـ نمایش یك شیئی برای بیان فکری دیگر . فرضاً نمایش شمعی که رو بخاموشی است به علامت نزدیك شدن مرگ .

www.takbook.com

«۳»

انواع پلان

چگونگی تصویری‌که پلان عرضه میدارد، برحسب ایده محتوی آن ، دارای اشکال گوناگون است . باین‌معنی که برای جلب‌نظر تماشاگر بیك شیئی یا پرسوناژ از انواع مختلف پلان در موارد بخصوص استفاده میشود . درشتی یا کوچکی یك پلان بسته بدرشتی و یا کوچکی سوژه اصلی نسبت بحدود تصویر میباشد .

۱ ـ پلان عمومی ـ پلان عمومی کادر اساسی و کلی صحنه را تعیین میکند ، این پلان ممکن است منظره‌کلی یك شهر، یا یك خانه باشد .

۲ ـ پلان متوسط ـ در این پلان قسمتی از پلان عمومی در کادر قرار میگیرد . مثلا پیاده روئی‌که عابرین در آن مشغول عبور و مرور هستند .

www.takbook.com

۳ ـ **پلان درشت** ـ پلان درشت چهره یا قسمتی از بدن یك پرسوناژ را درکادر دارد .

۴ ـ **پلان خیلی درشت** ـ این پلان صورت یا حتی قسمتی از صورت یك پرسوناژ و یا یك شیئی را از فاصله خیلی نزدیك نشان میدهد .

این تقسیم‌بندی کلی پلانها است ودرحد فاصله میان دو پلان ، پلانهای دیگری وجود داردکه برحسب ضرورت میتوانند مورد استفاده قرار گیرند . اسامی معادل پلانهای فوق درزبانهای فرانسه‌وانگلیسی بشرح زیراست :

پلانها	به « فرانسه »	به « انگلیسی »
پلان عمومی	Plan General	Long Shot
پلان متوسط	Plan American	MediumShot
پلان درشت	Gros Plan	Close – up
پلان‌خیلی‌درشت	Tres Gros Plan	Big Close-up

www.takbook.com

« ۴ »

حرکات دوربین

الف: تعریف ـ دوربین فیلمبرداری قادر است ضمن ضبط تصاویر، در جهات مختلف و باشکال مختلف حرکت کند. از این طریق است که دوربین تماشاگران را درفضای داستان قرارمی‌دهد.

گاهی از دریچه‌چشم بازیگر، مشاهدات اورا بازگو می‌نماید گاهی‌نیز درردیف تماشاگران قرارگرفته وجریان داستان‌را از زاویه دیگری نظاره میکند. گاهی‌اوقات‌نیز دوربین باحرکات شدید، ناگهانی و تکان‌دهنده، هیجان و اضطراب صحنه را افزایش میدهد. درحقیقت بایدگفت‌که دوربین در طول نمایش فیلم، نقش یکی از بازیگران داستان را برعهده دارد و ازطرف دیگر رابطی است میان تماشاگران وحوادث داستان.

www.takbook.com

۱ـ پانورامیك (حرکت افقی)

هرگاه دوربین روی یك محور ثابت بچپ یا راست حرکت کند ، این‌عمل راحرکت پانورامیك یابطور اختصار «پن» گویند . این حرکت درست به گردش سر روی محور ثابت‌گردن شباهت دارد ، حرکت پانورامیك دوربین اغلب جنبه بیانی یا توصیفی داشته و برای نشان دادن یك منظره یا یك ردیف اشخاص یا اشیائیکه تجمع آنها در یك کادر تصویر بآسانی امکان‌پذیر نیست ، بکار می‌رود .گاهی اوقات نیز این نوع‌حرکت دوربین، مسیر نگاه یکی از بازیگران را برروی یك منظره ، اشخاص و یا اشیاء نشان میدهد .

۲ـ تراولینك

این حرکت عبارتست از حرکت دوربین در هنگام فیلمبرداری بروی یك پایه متحرك . این نوع‌حرکت‌قواعد و دستورات بخصوصی ندارد . دوربین با وسایل مختلف‌که متداول‌ترین آنها ارابه‌ایست بروی ریل، بجلو یاعقب،چپ یاراست حرکت میکند . تراولینك را می‌توان با اتومبیل

www.takbook.com

هواپیما ، هلیکوپتر و بسیاری از وسایل متحرك دیگر انجام داد .

تراولینك موارد استعمال متعدد دارد ، معمولترین آنها وقتی است که دوربین یك شیئی متحرك را دریك کادر ثابت تعقیب میکند ، گاهی نیز دوربین برای نشان دادن جزئیات یك صحنه بجلو تراولینك میکند بصورتی که فرضاً از یك پلان عمومی بیك پلان درشت تغییر محل میدهد . برعکس این حالت نیز امکان دارد . دوربین از یك پلان درشت بعقب رفته و دریك پلان عمومی توقف میکند . این عمل بوسیله عدسی «زوم» (عدسی با فاصله کانونی متغیر) هم انجام می‌شود .

نوع دیگر تراولینك عمودی است . در این حالت دوربین بالا یا پائین رفتن شخصی را از پله‌ها نشان دهد.

۳ ـ پانو تراولینك

این حرکت از ترکیب دو حرکت پانورامیك و تراولینك ایجاد می‌شود . باین معنی که دوربین در حین حرکت تراولینك روی یك پایه متحرك ، روی محور ثابت

www.takbook.com

خودنیز بچپ یاراست حرکت میکند. ترکیب این‌دوحرکت در سینما امکانات فراوانی بوجود می‌آورد. فرضاً در یك صحنه بازیگروارد اتاقی شده وناگهان بایك جسدکه پشت میزی افتاده‌اجومه می‌گردد. چنین صحنه‌ای اگر بادوپلان یعنی یك پلان عمومی‌ازاتاق ویك پلان درشت ازجسدنشان داده شود، هرگزتأثیر یك‌حرکت پانوتراولینك رابربیننده نخواهد داشت. باین ترتیب که دوربین پس از یك پلان عمومی ازاتاق بحال پانوتراولینك بجلوحرکت‌کرده، روی پلان درشت جسد ثابت می‌ما.

۴ـ تیلت

در این‌حرکت دوربین روی محورثابت بطور عمودی ازبالا به‌پائین ویا بالعکس حرکت میکند. درچنین‌حالتی دوربین صحنه‌ای را که از نظر ارتفاع در یك کادر ثابت نمی‌گنجد، باحرکت عمودی نشان می‌دهد. بعبارتی‌حرکت تیلت از هرجهت مشابه حرکت پانورامیك است با این تفاوت که در حرکت تیلت دوربین در جهت عکس، یعنی از بالا به‌پائین و یابالعکس حرکت میکند، فرضاً برای نشان

www.takbook.com

دادن یك بنای مرتفع‌دوربین ابتدا از پائین‌شروع بحرکت کرده و با حرکتی آرام تا مرتفع ترین قسمت بنا بالا رفته ودرآنجا ثابت می‌ماندویا در یك‌پلان درشت پاهای شخصی را نشان داده وسپس باهمین‌حرکت دوربین بالا رفته وروی صورت این‌شخص متوقف می‌شود .

www.takbook.com

«۵»

زوایای فیلمبرداری

زوایای فیلمبرداری در اوایل پیدایش سینما توسط فیلمسازان بسرعت کشف گردید ومورد استفاده از آنها روشن شد. درسال ۱۹۲۰ یك منتقد سینمایی راجع به «پودفکین» کارگردان روسی، اینطور اظهار نظر کرد: «آنچه استیل پودفکین را امتیاز می‌بخشد اینست که وی همواره از بیچارگان وضعفاء از بالا به‌پائین فیلمبرداری میکند. یعنی عدسی دوربین آنها را از بالا می‌نگرد و دوربین به شکل سرازیر بکارگرفته می‌شود ودرمورد جابران و دیکتاتورها دوربین با پایه کوتاه بحالت سربالا قرار می‌گیرد و صحنه را از پائین می‌نگرد ...» انتخاب این نوع زوایا در بیان و القاء مطلب تأثیر بیشتری بربیننده باقی می‌گذارد.

الف ـ سرازیر :

۱ ـ تعریف : دراین حالت دوربین بالاتر از سوژه مورد نظرقرار می‌گیرد وبطورسرازیر صحنه رافیلمبرداری می‌کند.

۲ ـ تأثیر : دراین‌مورد پرسوناژ یاشیئی‌فیلمبرداری شده کوچکتر ازحد معمول بنظر آمده و به عبارتی حقیر جلوه میکند . بکارگرفتن این طریقه در فیلمبرداری از تصاویر درشت (کلوز آپ) پیشانی‌را پهن و چانه را باریك می‌کند و رویهمرفته اعضاءِ چهره از حالت عادی خارج می‌شوند . زاویه سرازیر در برخی‌ازموارد برای نشان‌دادن مسیرنگاه بازیگر بکارمی‌رود . فرضاًدوربین ازچشم وی . از پشت پنجره یا بالای پله‌ها به‌پائین مینگرد .

ب ـ سربالا

۱ ـ تعریف : در این‌حالت دوربین پائین‌تر ازسوژه مورد نظر قرارگرفته و بطور سربالا از صحنه فیلمبرداری می‌کند .

۲ ـ تأثیر : دراین‌مورد پرسوناژ یاشیئی‌فیلمبرداری

شده اهمیت بیشتری پیدا کرده و بزرگتر از اندازه اصلی دیده می‌شود. زاویه سربالا در فیلمبرداری القاء کننده قدرت، تسلط و فرمانروائی میباشد.

در تصاویردرشت (کلوزاپ) زاویه سربالا، چانه را پهن و پیشانی را کوچکتر از اندازه اصلی نشان می‌دهد رویهمرفته‌اعضاءصورت‌بهم‌فشرده‌شده وچهره‌حالتی‌غیرعادی پیدامی‌کند زاویه سربالا دربرخی‌از موارد ازچشم بازیگر از پائین ببالا می‌نگرد.

ج ـ عرصه تصویر

عرصه‌تصویرعبارت ازآن‌چیزی است‌که دوربین‌تحت یك زاویه ثابت یامتغیر فیلمبرداری می‌کند.

۱ ـ عرصه ثابت

در این حالت دوربین بدون تغییر محل، روی یك محور ثابت و دریك کادر معین، صحنه‌ای را فیلمبرداری می‌کند، درابتدای پیدایش سینما، کلیه فیلمها باین شکل فیلمبرداری می‌شدند ودر سرتاسرصحنه دوربین بدون‌تغییر زاویه دید، در نقطه‌ای قرار می‌گرفت و بازیگران مشابه

آنچه در تآتر معمول است بازی خود را بدون وقفه ادامه می‌دادند .

۲ = عرصه متغیر

دوربین هنگام فیلمبرداری با حرکات پانورامیك و تراولینك و یاپانوتراولینك بجهات مختلف حرکت میکند وصحنه را اززوایای گوناگون نشان می‌دهد .

۳ ـ عرصه متضاد

دوربین درحالت معمولی‌از یك‌جهت‌خاص ،پرسوناژ یاشیئی‌رافیلمبرداری می‌کند، درصورتیکه درجهات‌مختلف قرار گرفته یك یا چند پرسوناژ یا شیئی یـا صحنه‌ای را فیلمبرداری‌کند دراین حالت دوربین در عرصه متضاد بکار گرفته شده است . فرضاً یك‌زن و مرد درصحنه‌ای‌مقابل‌هم ایستاده ومشغول صحبت هستند. دوربین ابتدا از پشت سر زن صورت مرد را نشان میدهد ، سپس بسمت مقابل رفته و از پشت سرمرد صورت زن را نشان میدهد .

«۶»

تداخل

(سورامپرسیون ـ سوپرایمپوز)

الف ـ تعریف

تداخل عبارت است از تأثیر دو یا سه صحنه و یا بیشتر روی یك پلیکول واحد.

۱ ـ تداخل بصری: در این حالت روی تصویر اصلی، یك یا چند تصویر دیگر نمایان می‌گردد. در سال ۱۸۹۶ بود که تداخل بصری بطور اتفاقی کشف شد باین معنی که فیلمبردار ژرژمه‌لیس اشتباهاً روی یك حلقه فیلم خام دوبار فیلمبرداری کرد و در نتیجه بعد از چاپ نگاتیفها، متوجه شدند که دو تصویر روی هم چاپ شده و در عین حال هر دو قابل تشخیص میباشند. از آن پس مه‌لیس تداخل بصری را بدفعات

www.takbook.com

درفیلمهای خودمورد استفاده قرار داد از آن بهره‌برداری فراوان کرد .

۲ ـ **تداخل سمعی** : در تداخل سمعی ، صداهـای مختلف ، روی یك نوارصدا ضبط‌شده و بهنگام پخش، تمام این‌صداها تواماً بگوش می‌رسد .

فرضا هنگامی‌که بازیگری صحبت می‌کند ، صدای موزیك نیز دیالوگ اوراهمراهی‌کرده وگاهی نیزسروصدا های اضافی دیگری هم ممکن است شنیده شود . این‌عمل را درکار صداسازی فیلم «میکساژ» میگویند .

ب ـ موارد استعمال

تاسال ۱۹۲۰ تداخل‌بصری درسینما بسیارمتداول‌بود و آنرا بعنوان یك وسیله رجعت بگذشته بکار میبردند . «لوئی دولوك». ازتداخل بصری برای بیان‌گذشته وحال در آثارخوداستفاده فراوان‌کرده ودراینباره‌گفته‌است: «تداخل تصویری‌یکی از جالب‌ترین امکانات‌سینما است .»

همیشه تداخل سمعی که‌ضمن‌میکساژ انجام می‌گیرد

www.takbook.com

یکی از مشکل ترین و دقیق ترین مراحل در صداگذاری فیلمها است . دراین مرحله است که « اندازه » و « مقدار » هریك از نوارهای صوتی تعیین می گردد. فرضا زمانی موزیك بر دیگر صداها برتری پیدا می کند و زمان دیگر سر و صداهای متفرقه و گاهی گفتگوی بازیگران . شاید تماشاگران عادی هرگز ضمن دیدن یك فیلم به کیفیت تداخل سمعی آن توجه نکنند. ولی این نکته مهمی است که هیچگاه از نظر یك سینماگر حرفه‌ای دور نمیماند .

www.takbook.com

«۷»

نقطه‌گذاری

الف ـ تعریف

تصاویر و پلانهائی‌که بدنبال یکدیگر قرارگرفته و از مجموع آنها مطلبی بیان میشود ، ازنظر دستور زبان سینما، حکم یك‌جمله را دارند . همچنانکه درادبیات ، از یك سلسله جملات ، پاراگراف ، فصل وبالاخره یك اثرادبی کامل بوجود آید ، درسینما نیز ازمجموعه پلانها، سکانس واز مجموعه سکانسها یك اثر سینمائی بوجود میآید .

درسینما نیزمانند ادبیات ، پلانها وسکانسها همانند کلمات، جملات وفصلها، بوسیله‌علائم بخصوصی ازیکدیگر مجزا می‌گردند ، این علائم که در ادبیات به‌آنها اصطلاحا «نقطه‌گذاری» اطلاق می‌شود ، از درهم‌ریختگی وآشفتگی

www.takbook.com

قسمتهای مختلف اثر جلوگیری کرده و به‌هریك از آنها مقام وارزش مناسب میبخشد .

همانطورکه آثارادبی بدون رعایت قواعد نقطه‌گذاری ازقبیل ، ویرگول ، نقطه ، نقطه ویرگول ، علامت تعجب و استفهام و غیره ، فاقد ارزش میباشند ، در سینما نیز رعایت این قواعد امری است اجتناب ناپذیر و بی‌توجهی بآنها باعث سرگردانی تماشاگر و بی‌سر و ته بودن مسیر داستان می‌گردد .

اصولا هراثر هنری‌که در چهار چوب زمانی محدود است (مانند موسیقی ، ادبیات ، تآتر و سینما) ناگزیر از رعایت یك قواعد دستوری است .

ب ـ علائم نقطه‌گذاری

۱ ـ فوندوی ظهور (فیداین)

در این نوع فوندو صحنه از تاریکی مطلق آهسته روشن شده و تصویر آشکار میگردد . این عمل را میتوان هنگام فیلمبرداری با گشودن تدریجی دهانه دیافراگم و یا

www.takbook.com

در لابراتوار انجام داد . فوندوی ظهور برای شروع یك سکانس مستقل بکار می‌رود .

۲ ـ فوندوی محو (فیداوت)

دراین‌نوع فوند وصحنه تدریجا تاریك شده تااینکه تصویر بکلی‌سیاه می‌شود. این‌عمل‌رانیزهنگام فیلمبرداری بابستن تدریجی دهانه دیافراگم و یا در لابراتوار میتوان انجام داد . فوندوی محو برای پایان دادن سکانس مستقل بکار می‌رود .

وقتی سکانسی بافوندوی محو پایان یافته وسکانس بعدی بافوندوی ظهور شروع شود ، این‌حالت نشانهٔ گذشت زمان نسبتا طولانی است .

۳ ـ آنشنه (دیزالو)

وقتی ضمن محو شدن تدریجی تصویر ، صحنه بعدی روی همین تصویر تدریجا ظاهر گردد ، این حالت آنشنه نام دارد. این عمل را میتوان بادوربین فیلمبرداری بعد از یك فوندوی محووبرگرداندن فیلم بنقطه شروع آن فوندو و یك فوندوی ظهور و یا در

www.takbook.com

لابراتوار انجام داد . آنشته درسینما نشانه‌گذشت یك زمان نسبتا کوتاه است .

درسال ۱۸۹۷ «مه‌لیس» برحسب اتفاق فوندو را کشف کرد . در استودیوی او معمول بود که هنگام استفاده از سانتی‌متر های آخر فیلم خام، دهانه‌دیافراگم را برای جلوگیری از نوردیدن فیلم ، آهسته می‌بستند و سپس درمونتاژ این قسمتها را چیده و دور می‌ریختند . یکبار متصدی مونتاژ فراموش کرده بودکه یکی از این‌قسمتها را ازفیلم جداکند و «مه‌لیس» پس ازدیدن آن روی پرده ، باین‌نکته پی برد که محو تدریجی تصویر، برای پایان صحنه مناسبتر است و بیننده را برای تماشای صحنه بعدی راغب‌تر میسازد . از آنموقع فوندو وارد سینماشد وبعنوان یکی ازعلائم‌شروع و پایان سکانسها ثبت‌گردید .

www.takbook.com

«۸»

تحلیل

۱ ـ **تعریف** : میدانیم که وجود یك کلمه در یك جمله، یك جمله در یك پاراگراف ، یك پاراگراف در یك فصل و یك فصل در یك کتاب ارزش و تاثیر واقعی آن وقتی ظاهر خواهد شد که باقسمتهای قبلی وبعدی رابطه داشته وبطور کلی مکمل یکدیگر باشند .

همین رابطه‌دریك اثرسینمائی نیزوجود دارد. باین معنی‌که واحدهای فیلم ازقبیل : پلان وسکانس درصورتی دارای ارزش واعتبارخواهند بود که ارتباط خودرا با سایر قسمتها حفظ نموده باشند .

۲ ـ **ترکیب** : ترکیب در سینما عبارت است از گردآوری وبیان مطالبی‌که بایکدیگر مرتبط بوده وتحت یك سبك واحد و مشخص عرضه می‌گردند . این ترکیب

www.takbook.com

مطیع سلسله قوانینی است که در ادبیات نیز نظیر آن وجود دارد .

در ترکیب سینمائی باید قبل ازهرچیزوحدت فکر وبیان حفظ شود ومطالب گفته شده تمام ازیك مطلب اصلی مشتق گردند .

۳ ـ **صراحت** : صراحت ، سادگی و حقیقت‌گوئی در بیان مطالب رابطه میان فیلمساز وتماشاگررا سریعتر و باتفاهم بیشتر برقرار می نماید. این صراحت وسادگی همچنین در بکاربردن عوامل سازنده فیلم ازقبیل : دیالوك ـ موزیك صداهای مختلف باید رعایت شود در غیراینصورت هیچیك از آنها تاثیر لازم را برتماشاگر باقی نخواهندگذارد.

۴ ـ **تفکیك** : نحوه بکاربردن عوامل ومصالح سازنده فیلم و توام شدن آن باتلقی و دید خاص فیلمسازان اززندگی ومسائل مربوط به آن درسینما سبك‌های مختلف بوجودمی آوردکه کاملا از یکدیگر قابل تفکیك میباشند ، همچنانکه درادبیات هر نویسنده یا شاعری ، از ترکیب و کنارهم قرار دادن کلمات اثری بوجود ، می آورد که از

www.takbook.com

نقطه نظر سبك و ریتم با آثار دیگران متفاوت است . در حالیکه مصالح اولیه کار، یعنی کلمات یکی هستند . فقط طرز بکاربردنشان است که با آنها امتیاز میبخشد .

• ـ **القاء** : می‌دانیم که هر تصویر فکر و مطلب محتوی خود را بیان میدارد . این فکر ممکن است صریح و بی‌پرده و یا در استتار و باکنایه و استعاره بیان گردد . القا عبارت است از هنر بوجود آوردن تاثرات مختلف در تماشاگران بکمك یك سلسله تصاویر که بیان آنها بطور مستقیم امکان‌پذیر نباشد . با مثالهای زیر که از فیلمهای کلاسیك گرفته شده مطلب روشن می‌شود :

ـ برای نشاندادن گذشت چندین سال ، ابتدا سنك مزاری را روی پرده می‌بینیم و در پلان بعدی همان سنك دیده می‌شود درحالیکه اطراف آنرا علفهای هرزه پوشانیده است .

ـ درفیلم « **چهارده ژوئیه** » مرگ یك مادر باین شکل نشان داده می‌شود : روی یك میز ،کنار تختخواب ، شیشه‌های دارو قرار دارد ناگهان دستی بایك حرکت سریع

www.takbook.com

شیشه‌های داروورا روی زمین می‌ریزد و بعد بی‌حرکت باقی میماند . این‌عمل نشانه مرگ مادر است .

ـ درفیلم **«گولوگوتا»** صحنه شلاق‌زدن مسیح ، با نشاندادن عکس‌العمل مشاهده این صحنه بروی چهره تماشاگران مجسم شده است . خشم ، نفرت وتأثری که در چهره فردفرد تماشاگران دیده میشود وزنی که‌طاقت ازدست داده وبیهوش‌می‌شود، بخوبی‌گویای مطلبی‌است که‌کارگردان بطور غیرمستقیم بازگو می‌کند .

ـ در بسیاری از فیلمها دیده‌ایم که برای نشاندادن مسافرتهای پی‌درپی ، ریل‌های راه‌آهن بسرعت از جلوی دوربین رد می‌شوند و اخبار روزنامه‌ها روی این صحنه « سوپرایمپوز» (تداخل) می‌شود .

در القاء علاوه برتصویر از صدا نیز میتوان باشکال گوناگون استفاده کرد .

www.takbook.com

«۹»

سکانس

الف ـ تعریف : سکانس عبارت از مجموعه پلانهائی است که از ترکیب آنها یك قسمت کامل و مستقل از داستان بیان می‌گردد . سکانس را درسینما میتوان بافصل در رمان مقایسه نمود . سکانس باید از جهت طول و تعداد پلانها ، برحسب اهمیتی که در بردارد ، تعادل ورابطه خود را باسایر سکانسها محفوظ نگه داشته ومحل مناسبی را در فیلم اشغال نماید .

ب ـ انواع سکانس

۱ ـ مستقل : این نوع سکانس بهیچ یك ازسکانسهای قبلی ارتباط ندارد وهیچ سکانسی نیز با آن مربوط نمیباشد چنین سکانسی استقلال خود رادر میان سایرسکانسها حفظ میکند ومطلبی راکه بیان میدارداز سایرسکانسها مجزا است .

www.takbook.com

۲ ـ **اصلی** : این نوع سکانس با سکانس دیگری ارتباط ندارد ولی یك یاچند سکانس بآن مربوط میباشد ، سکانس اصلی مطلبی‌را بیان میدارد که مطلب سکانسهای بعدی از آن مشتق می‌شود .

۳ ـ **فرعی** : این سکانس به سکانس اصلی مربوط است و در حقیقت آنرا کامل میسازد . سکانس فرعی نیز میتواند بوسیله یك سکانس یاسکانسهای دیگرکه از آن مشتق می‌گردند ، تکمیل شود .

ج ـ نقش سکانس

۱ ـ **آرام** : در این نوع سکانس ، داستان بآرامی پیش می‌رود و در تماشاگران حالت آرامش و سکون ایجاد می‌کند . اکثر فیلمهای روانی و اجتماعی دارای این نوع سکانس می‌باشند .

۲ ـ **معمولی** : در این حالت داستان جریان عادی و معمولی خود را در یك زمان کاملاطبیعی طی‌میکند .

۳ ـ **سریع** : این نوع سکانس شدت و سرعت

www.takbook.com

بیشتری، بداستان می‌بخشد و در تماشاگران هیجان و اضطراب بوجود می‌آورد. سکانسهای سریع غالبا در فیلمهای پلیسی ـ وسترن و کمدیهای مفرح مورد استفاده قرار می‌گیرند.

باشگاه ادبیات

www.takbook.com

«۱۰»

وزن (ریتم)

الف ـ تعریف ـ وزن یا ریتم یك فیلم بوسیله چگونگی قرار گرفتن پلانها بدنبال یکدیگر ورابطه‌میان آنها ، بوجود می‌آید . وجودوزن‌را در فیلم موزیك، کلام و صداهای مختلف تکمیل مینماید . باتوجه به‌وزن فیلم میتوان سبك وروش کار فیلمساران را از یکدیگر متمایز نمود .

ب ـ عناصر وزن

۱ ـ تصویر ـ وزن‌در تصویر ممکن‌است بعلت‌حرکات تندیا آرام پرسوناژها بوجودآید. این امردر بیننده‌اثرات مختلف‌باقی میگذارد. حرکات دوربین‌نیز از قبیل‌تراولینك وپانورامیك و سرعت یانرمش آنها میتواند درتصویر ایجاد وزن نماید .

www.takbook.com

۲ ـ **مونتاژ** ـ مونتاژ نیزدر ایجاد وزن درفیلم نقش عمده دارد . این امر باکوتاهی یابلندی طول پلانها ویا نوع آنها (از قبیل یك برش ناگهانی ازتصویر عمومی به تصویر درشت ویابرعکس) به وجود میآید . کوتاهی یابلندی طول پلانها باین ترتیب مورد استفاده قرارمیگیرد که فرضا برای نشان دادن یك صحنه تصادم اتومبیل بایکدرخت ، ابتداچند پلان از اتومبیل درحرکت ، جاده از دید راننده و درخت فیلمبرداری میشود . این سه پلان را در مونتاژیکی پس از دیگری قرار میدهند و مرتبا آنها را تکرار میکنند . با این تفاوت که هر بار طول آنها کوتاه تر می شود تا اینکه اتومبیل بادرخت تصادم میکند . در اینجا مونتاژ با ایجاد وزن در فیلم احساس تصادف رادرتماشاگران بوجودمی آورد نوع پلان وتوالی آنها نیز باین ترتیب است که برای ایجاد شوك بصری در بیننده صحنه را از یك تصویر عمومی بیك تصویردرشت قطع می کنند درصورتیکه اگر ازطریق معمولی یعنی از تصویر عمومی به تصویر متوسط و بعد به تصویر درشت صحنه راقطع کنند ، این کار اثر بخصوصی درتماشاگر باقی نمی گذارد .

www.takbook.com

۳ ـ صداهای مختلف

سر و صداهای مختلف از قبیل صدای باد ، توفان ، بهم خوردن در، صدای پای اسب، شلیك گلوله وغیره در واقعیت بخشیدن به صحنه نقش بزرگی دارند. گاهی اوقات این قبیل صداها باکوتاهی مقدارشان ،در ایجاد وزن فیلم بشدت موثر واقع میشوند .

۴ ـ کلام

پس از اختراع سینمای ناطق ، کلام نیز به عناصر مختلف بوجود آورنده وزن اضافه گردید . اکنون کلام در فیلمی جزء لاینفکی ازحوادث داستان است . کلام در فیلم برحسب طرز بیان و مضمونی که در بردارد، در بیننده احساسات مختلف برمی انگیزد .

۵ ـ موزیك

از ابتدای پیدایش سینما، اهمیت موزیك درهمراهی باصحنه‌ها به‌ثبوت رسید . درسال ۱۹۰۰ موسسه «گومون» موفق شد صفحات موسیقی را با فیلم منطق « سنکرونیزه» نماید. علاوه بر آن هنگام نمایش فیلم همواره یك دسته

www.takbook.com

ارکستر در سالن حضورداشت و صحنه‌های فیلم را همراهی میکرد .

موزیك درفیلم گاهی برای بیان‌احساسات‌بازیگران گاهی برای‌معرفی یك‌محل بخصوص وگاهی نیزدر توصیف یك‌واقعه بکار میروند .

موزیك باشدت یاضعف خود قادر است در وزن فیلم بشدت موثر باشد .

۶ ـ سکوت

گاهی اوقات سکوت درفیلم بیش‌ازهر صدائی ضروری بنظر آید . صحنه‌هائی متضمن اضطراب ، انتظار ودلهره غالباً درفیلمها باسکوت همراه‌هستند و باین نحو است‌که می‌بینیم سکوت نیز بنوبه خود در فیلم ایجاد وزن میکند .

www.takbook.com

«۱۱»

نتیجه

هدف از مطالعه و بررسی عوامل سازنده فیلم، کشف نکاتی است که سازنده اثر قصد بیان آنها را داشته است. نحوه بکارگرفتن این عوامل و کیفیت نتیجه‌ای که از آن حاصل می‌شود، درتعیین ارزش فیلم، مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرد.

سینما بیش ازهروسیله‌بیان دیگرقادراست‌بامخاطب خود رابطه برقرارساخته واثری راکه دروی باقی‌میگذارد موثرترین و قاطع‌ترین درنوع خود باشد. از طریق سینما است که مردم سرزمینهای مختلف بفرهنك و آداب وسنن یکدیگر آشنائی پیدامیکنند. سینما یك زبان‌بین‌المللی وگویای جهانی است وازاین راه بیش از هروسیله دیگری به‌فرهنك و تمدن بشریت خدمت کرده است. بکمك این

www.takbook.com

پدیده است که تاریخ ، فرهنگ و خصوصیات روحی ملتها به‌یکدیگر شناسانده شده است .

برای فهم و درک یك اثر سینمائی ، اطلاع از قواعد دستوری وتجزیه وتحلیل اجزاء سازنده آن ضروری است. همانطورکه درادبیات برای رسیدن بدرجه اجتهاد ، نخست بایدآموختن دستورزبان شروع‌کرد وبعد به‌تجزیه وتحلیل وسپس معانی بیان رسید . تا وقتی عوامل سازنده یك اثر بدرستی شناخته نشود و کیفیت آنها ارزش یابی نگردد ، نمیتوان‌آن اثررابطورمدلل نفی یاقبول‌کرد، بدون‌شناختن این‌عوامل، قضاوت درباره یك اثر، قضاوتی سطحی‌ونادرست خواهد بود .

برای ارزیابی یك اثر سینمائی ، با اطلاع کامل از دستور زبان سینما، میتوان‌سئوالات زیر را مطرح ساخت.

پاسخ مناسبی برای هریك از این سئوالات بدست می‌آید و از مجموعه این پاسخهاکیفیت اثرروشن میشود .

این سئوالات درواقع کلیدی برای دستیابی به‌قلمرو انتقاد محسوب می‌گردد و همچنین راهنمائی مناسب است

www.takbook.com

برای کسی که میخواهد بداند در نقد یك فیلم چه نکاتی را مورد توجه قراردهد :

۱ـ سوژه فیلم چیست ؟ آیا از یك اثر ادبی اقتباس شده ویا اینکه اوریژینال است ؟

سوژه متضمن حرف، جهانبینی و تلقی خاص فیلمساز است ویا اینکه صرفا به قصه گوئی می پردازد ؟ در صورتیکه فیلمساز حرفی دارد ، آن حرف کدام است و چطور مطرح شده است ؟

۲ـ دکوپاژ فیلم از نظر انتخاب زوایا، حرکات دوربین تا چه حد در خدمت سوژه است و آیا اصولا ارتباطی بین دکوپاژ فیلم با روانشناسی پرسوناژها و نوع داستان وجود دارد ؟ (دکوپاژ عبارت از تقطیع صحنه ها به پلانهای مختلف است . این تقطیع ، حرکات دوربین و اندازه پلانها از نظر ابعاد وطول مدت نمایش نیز مورد نظر هستند)

۳ـ انتخاب هنرپیشگان برای نقشهای محوله درست انجام گرفته است ؟ آیا پرسوناژهای اصلی در فیلم تدای تیپ

www.takbook.com

و فیزیك خاص هنرپیشگان شده‌اند یا اینکه تیپها بقالب پرسوناژها فرورفته‌اند ؟

۴ـ کارگردان دراخذ بازی از هنرپیشگان‌وهدایت آنها تاچه حد موفق است ؟ آیا بازیگران نقش‌های اصلی از بازیگران ممتازوطراز اول هستند یا ازچهره‌های‌جوان و تازه‌کار ؟

۵ ـ فیلمبرداری فیلم از نظرعکاسی صحنه‌ها وبطور منتزع‌قابل‌توجه است یافیلمبردارفقط بضبط واضح‌وسطحی تصاویر اکتفا کرده است ؟

۶ ـ نو پردازی در فیلمبرداری چه نقشی دارد ؟ آیا از آن در بیان و توصیف دراماتیك داستان استفاده شده است ؟

۷ـ درصورتی‌که فیلم‌رنگی است عامل رنك‌تاچه‌حد درفیلم نقش سازنده دارد ؟آیا ازرنك‌فقط بعنوان یك‌وسیله تزئینی استفاده شده یادربکاربردن آن فیلمساز قصد وهدف خاص داشته است ؟

۸ـ طراح صحنه درکار خود تا چه حد توفیق یافته

www.takbook.com

است و باتوجه به‌نوع فیلم وزمان وقوع داستان آن، طراحی صحنه‌بعنوان یك‌زمینه مناسب‌برای‌برجسته ساختن‌حوادث فیلم کامل وبدون نقص است ؟

۹ ـ مونتاژ فیلم در ایجاد ریتم مناسب صفحه‌های مختلف موفق است ؟ آیا مونتاژ بعنوان‌یك عامل دراماتیك درفیلم نقشی برعهده دارد ؟

۱۰ ـ سناریوی فیلم دربیان داستان از ایجاد و استحکام‌لازم‌برخوردار است؟ پرورش‌کاراکترهاوشناساندن آنها بخوبی انجام گرفته و دیالوگها بحد لزوم و مناسب با باشخصیت آدمها نوشته شده است

۱۱ ـ کیفیت موزیك متن فیلم چگونه است ؟ آیا این‌موزیك بخوبی‌باتصاویر مطابقت‌دارد واحساس‌بازیگران را ببیننده منتقل‌میسازد ؟

۱۲ ـ سروصداهای مختلف (ساندافکت) درفیلم چه نقشی دارد ؟ آیا فیلمساز بیشتر از این صداها برای زنده ساختن تصاویر استفاده کرده و در اینصورت تا چه حد در مقصود خویش موفق شده است ؟

www.takbook.com

۱۳ ـ میان نوارهای مختلف صدا (موزیك ـ دیالوك ـ صداهای مختلف) تعادل لازم وجود دارد و مقدار شنیدن هریك از آنها بحد لزوم تعیین شده است ؟

www.takbook.com

«۱۲»

انواع فیلم

همان طور که در ادبیات سبکها ومکاتیب مختلف آثار نویسندگان وشاعران را ازیکدیگر تفکیک‌مینماید، در سینما نیز باتوجهٔ به عوامل سازنده وکیفیت بکارگرفتن آنها ودانش‌وبینش‌فیلمساز ،از انواع‌مختلف فیلم‌وبالنتیجه سبکهای متفاوت فیلمسازی وجود دارد . برای شناخت انواع فیلم ابتدا باید عوامل وعناصری راکه درپیدایش آن دخالت دارند شناخت .

۱ ـ **دنیای خارجی** ـ طبیعت ، موجودات زنده ، جمادات ونباتات ومنظره‌کلی‌عالم در سینما بوجود آورنده دنیای خارجی هستند . در این مورد سینما بشرح واقعیات می‌پردازد وعمل توصیف و شناسائی انجام میدهد .

www.takbook.com

۲ ـ **حوادث** ـ یکی از اشکال عمده سینما، قصه‌گوئی و داستان‌پردازی است .

هر در داستان ، نفس حادثه است که حیات دراماتیك فیلم را پی‌ریزی میکند . سینمای داستانی همیشه از «حادثه» و شاخ و برگهای آن تغذیه میکند .

۳ ـ **دنیای درونی** ـ دنیای درون تنها به بشر و افکار و احساسات او اختصاص دارد . در این مورد سینما بر وانکاوی و درون نگری می‌پردازد و از تصویر مطالبی را بازگو میکند که ابدا جنبه تصویری ندارند !

لازم به توضیح نیست که موارد فوق میتوانند بالاتفاق در یك فیلم آورده شوند ، تفکیك آنها فقط بخاطر شناسائی و طبقه‌بندی‌شان صورت میگیرد :

www.takbook.com

«۱۳»

انواع بینش

نوع هر فیلم بستگی مستقیم بادید یابینش خاص کارگردانش از مسئله‌ای که مطرح مینماید دارد ، ممکن است مسئله واحدی از دید کارگردانهای مختلف، بصورت فیلمهائی کاملامتفاوت‌درآید هریك از کارگردانها درمقابل زندگی، مرك ، عشق ، مسائل اجتماعی ومتافیزیك، بابینش وتلقی وطرز فکر خاص خود ،عکس‌العملهائی نشان‌میدهند ممکن است یك‌کارگردان زندگی و حوادث آن را با دید انتقادی ودرعین‌حال‌طنزآمیز بنگرد ودیگری‌بآن‌بانظری دقیق ، جستجوگر وجدی نگاه‌کند . باین ترتیب است که انواع فیلم‌و مکاتیب مختلف بوجود می‌آید .

www.takbook.com

«۱۴»

دنیای خارجی

۱ـ شناسائی جهان :

سینما هنر تصاویر است . تصاویری که مقدمتا از یك نوع واقعیت بدیهی وغیرقابل تردید برخوردارند . درادبیات «کلام» دارای نوعی واقعیت نامرئی است که بازگوکننده تصورات ومشهودات نویسنده است . درسینما همین تصورات و افکار از طریق « تصویر » بازگو می‌شود با این تفاوت که « تصویر » از یکنوع واقعیت عینی که خاص سینما است ، استفاده میکند . در ابتدای پیدایش سینما ، این پدیده جدید به ضبط واقعیت های تصویری در فیلمهای کوتاه از قبیل « صبحانه کودك » و « ورود قطار به ایستگاه » پرداخت .

www.takbook.com

باین ترتیب اولین نوع فیلم یعنی « مستند » بوجود آمد . در ادبیات نیز نوع « مستند » که شامل رپرتاژها و واخبار وغیره می‌شود وجود دارد . ولی نوع سینمائی آن از ارزش واصالت بیشتری برخوردار است .

زیرا درسینما دوربین طوری بادقت وصحت وقایع را ضبط میکندکه «کلام» درادبیات هرگزقادر بانجام آن نیست. وقتی فرضا در کتابی با کلمه « درخت » مواجه می‌شویم ، نویسنده با استفاده از تجربیات ومشاهدات ذهنی خواننده، بابکاربردن این لغت، تصویری از یك درخت درذهن او بوجود می‌آورد . درصورتیکه سینما درخت را «نشان» میدهد . با همان شکل واقعی و همانطور که وجـود دارد . نخستین تماشاگران فیلم «صبحانه کودك»! باتعجب بهم میگفتند : «حتی برگ درختان هم تکان میخورد!.

باین ترتیب می‌بینیم که هیچ چیز درجهان خارجی، از چشم دوربین مخفی نمی‌ماند .

۲ ـ نوع شناسائی

آنچه فیلم درشناسائی جهان خارجی بیان میدارد ، با آنچه ادبیات در این باره عرضه میدارد

www.takbook.com

تفاوت کلی دارد . درفیلم حقیقت دنیای خارجی وموجودات آن درهمانشکل اصلی ، حضور پیدا میکنند . سینما اولین وتنهاوسیله بیان‌است که در آن حد وحصری شناخته‌نمیشود تنها سینما است که میتواند وقایع گذشته را عیناً تکرار کند وبمکاشفه انسان‌ودنیای‌درون‌او بپردازد. بی‌اهمیت‌ترین اشیاء وموجودات درسینما اهمیت واقعی‌خود را بازیافته وماهیت اصلی آنان نمودار میگردد . بکمك زبان سینما میتوان بسیاری ازمطالب را ازطریق‌اشیاء بظاهر بی‌اهمیت ازقبیل یك رولور در یك‌کشوی میز، یك بطری که می‌شکند و یا شمعی‌که خاموش می‌شود بیان داشت .

پاشگاه ادبیات

www.takbook.com

«۱۵»

فیلمهای توصیفی

۱ ـ سینما و داستان

در بدو پیدایش سینما ، هرگز از آن در بیان حادثه یا داستانی استفاده نمیشد . سینما در آنهنگام فقط وسیله‌ای برای ضبط حرکات بود و تماشاگران فیلمها تنها ازمشاهده حرکت در تصاویر لذت می‌بردند . بعدها داستانهای کوتاه و ساده بکمک تصاویر برای تماشاگران بازگوشد . این امر رفته رفته گسترش یافت و بزودی میان سینما و ادبیات بطور اعم و رمان بطوراخص رابطه و پیوندی نزدیک و ناگسستنی بوجود آمد . سینما با وسایل و امکانات نامحدودی که در اختیار داشت ، ماجراها وحوادث رمانها وقصه‌ها را بااشکال وابعاد واقعی‌تر تکرار کرد . باین ترتیب باتلفیق سینما و ادبیات قوانین وقراردادهای نوینی در دنیای سینما به‌ثبت

www.takbook.com

رسیدند . از تلفیق سینما و ادبیات تماشاگران ماجراها و حوادثی را که تاآنزمان شرحشان را فقط درکتابها خوانده بودند، عیناًروی پرده مشاهده‌کرده وخودرادرفضای داستان حس می‌کردند .

۲ ـ رابطه داستان و تماشاگر

یکی از خواص عمده سینمای داستانی آنست که تماشاگر فقط بمشاهده وقایع داستان ، بمنزله یک ناظر و شاهد بی‌طرف اکتفا نمیکند دراین نوع از سینما تماشاگر همواره خود را در فضای داستان حس کرده و در احساسات بازیگران شریک میشود .

۳ـ ساختمان کلی داستان

وقتی یکداستان‌بصورت فیلم درمی‌آید، حشووزوائد آن از بین‌رفته وبطورکلی‌بصورت ایجاز بیان میگردد. گاهی اوقات چند پلان برای بیان یک فصل ازداستان‌کافی بنظر می‌آید و گاهی از اینهم مختصرتر ، همین‌کار فقط با یک پلان ایجام می‌شود .

www.takbook.com

« ۱۶ »

دنیای درون

(فیلمهای روانی)

۱ ـ سینما و هیجانات روحی

سینما در آغاز هیچگونه‌ای رابطه‌ای با دنیای درون، افکار، امیال و احساسات بشر نداشت. در آن زمان سینما نوعی تآتر بود که صدا و به عبارتی «کلام» را از آن حذف کرده بودند. ازاین جهت برای انتقال احساسات به‌تماشاگران، بازیکنان در حرکات و ژستهای خود مبالغه فراوان بخرج می‌دادند. ولی با پیدایش صدا در سینما، این نکته مسلم شدکه میان بازیگران و تماشاگران رابطه نزدیك‌تری وجود دارد و بالنتیجه سینمادرانتقال دنیای درونی افراد، ازقدرت بیشتری برخوردار است.

www.takbook.com

۲ ـ بیانات احساسات

در اواخر قرن نوزدهم متد تازه‌ای در علم روانکاوی بوجود آمد. دراین‌متدبرای پی‌بردن به‌افکار واندیشه‌های درونی انسان ، به بررسی حالات فیزیکی ، دگرگونیهای چهره وژستها و حرکات می‌پرداختند .

سینمانیز درآغاز به‌تبعیت ازاین‌متد، برای مکاشفه دنیای درون، دوربین‌راحتی‌المقدور به‌چهره بازیگرنزدیك کرد وباین‌ترتیب بودکه «کلوزاپ» یا«تصویردرشت» بوجود آمد . اولین فیلمی که در آن از « کلوزاپ » برای بیان احساسات بازیگران‌استفاده شد «مصائب ژاندارك» نام‌داشت که توسط «کارل‌درایر» کارگردانی شده‌بود .

در صحنه محاکمه ژاندارك ، پلانهای درشت از صورت ژاندارك و هیئت قضات بدون وقفه بدنبال یکدیگر می‌آمدند وباین‌ترتیب‌جریان محاکمه باجنبه‌های‌روانی‌اش نشان داده می‌شد .

بطورکلی در فیلمهای روانی استفاده از کلوزاپ یك ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و بهمین جهت است که تقریبا

www.takbook.com

بدون استثناءِ در تمام فیلمهای روانی ، کـه در طول تاریخ سینما ساخته شده‌اند ، کلوزاپ بکرات مورد استفاده قرار گرفته است .

زوایای مختلف دوربین نیز در بیان احساسات وحالات بازیگران نقش مؤثری دارند . دوربین با زاویه سرازیر حالت تحقیروکوچکی به پرسوناژمی‌بخشد . به‌عبارتی اندام بازیگر را فشرده بزمین نشان می‌دهد طوری که گوئی در حالت عجزودرماندگی‌است . دوربین‌بازاویه سربالا برعکس به‌پرسوناژ قدرت ، ابهت وعظمت میبخشد .

در این دو حالت اندام بازیگر از نقطه نظر دوربین پرسپکتیوخاصی پیدا می‌کند که دربیان وتوصیف شخصیت وی وسیله‌ای گویا ومؤثراست . (استفاده اززوایای سربالا و سرپائین درفیلمهای «آلکساندر نوسکی» و « مرد سوم » بدبهترین شکل انجام شده است .)

عمق صحنه نیز یکی دیگر ازمواردمؤثر در بیان و توصیف عوامل دراماتیك و احساسی در صحنه است . نباید تصورکردکه در فیلمهای روانی تنهابا « کلوزاپ » می‌توان

www.takbook.com

حالات‌خاص بازیگران ویاصحنه‌را به‌بیننده منتقل‌ساخت. گاهی اوقات یك «لانك شات» یا پلان عمومی‌که باعدسیهای زاویه باز «وایدانگل» گرفته باشد ، بیش از هر«کلوزاپ» روی بیننده اثر گذارده و مقصود فیلمسازرا القاء می‌نماید . اورسون‌ولز درفیلم « همشهری‌کین » برای اولین بار «عمق صحنه» را بعنوان یك وسیله بیان دراماتیك مورد استفاده قرار داد. وی با بکاربردن عدسیهائی‌بافاصله کانونی اندك ، به‌زمینه تصویرهمانقدر اهمیت بخشیدکه تا آن‌زمان برای اشیاء یا بازیگران جلوی صحنه قائل بودند . «عمق‌صحنه» بخصوص درفضاسازی وایجاد آتمسفراثری فوق‌العاده دارد .

سایرعناصر مورد استفاده در فیلمهای روانی عبارتند از ریتم‌کلی‌فیلم، رنك وموزیك‌که برحسب موفقیت هرکدام می‌توانند دربیان احساسات نقشی‌عمده‌داشته باشد .

۳ ـ انواع فیلمهای روانی

فیلم‌های‌روانی‌رامی‌توان‌بصورت زیرتقسیم‌بندی‌کرد.

ـ یك بیان ساده وبدون بحران (داستان‌لوئیزیانا)

ـ یك بیان بحرانی از زندگی اطفال (بازیهای

www.takbook.com

ممنوع) ـ از زندگی جوانان (رودخانه) ـ اززندگی طبقات کلی (قصر شیشه‌ای)

ـ بیان یك زندگی کلی (کلیدهای سلطنتی)

فیلمهای روانی زندگی بشری را در اجتماع مطالعه می‌کند وعکس‌العملهای آن‌را دربرخورد با اشیاء ومحیط بررسی می‌نماید. بعبارتی بشررا در اشکال مختلف مبارزه بامحیط وموجوداتی‌که اورا احاطه کرده‌اند نشان می‌دهد. این مبارزه اشکال مختلف دارد:

ـ مبارزه بامحیط (چقدر دره من سبز بود)

ـ مبارزه با سایرین (خود پسندان)

ـ مبارزه باخطرات (قضای آسمانی)

ـ مبارزه با امیال درونی (خاطرات‌کشیش دهکده)

www.takbook.com

«۱۷»

فیلمهای رآلیست

۱ ـ تعریف : رآلیزم با بعبارتی واقع‌بینی درسینما مکتبی است‌که بابرداشت ونحوه فکرفیلمساز ارتباط دارد. می‌دانیم که‌هنرعبارتست ازنوعی «انتخاب» . باین معنی که‌از تجمع یک سلسله عوامل برگزیده شده ، یک اثر هنری بوجود می‌آید . گاهی اوقات درایجاد یک فیلم رآلیست ، فیلمساز فقط نقش یک رابط وناقل را بازی می‌کند وتلقی و برداشت شخصی‌اش در تهیه اثرنقشی بازی نمیکند . ولی بطورکلی همانطورکه هیچ رابط و ناقلی نمی‌تواند بشکلی صددرصد بیطرفانه راوی وگزارشگر یک واقعیت ویا یک رویداد باشد ، فیلمساز نیزهمواره دربیان واقعیتهای طبیعی و اجتماعی ، قضاوت و یا لااقل نظر خویش را آگاهانه و یا ناخودآگاه عرضه می‌دارد .

www.takbook.com

«۱۸»

فیلمهای مستند

۱ ـ تعریف: در تعریف فیلمهای مستند باید گفت که این نوع فیلمها چهره واقعی جهان و موجودات آن را در ابعاد حقیقی عرضه می‌دارد. در ابتدا بنظر می‌آمد که فیلمهای مستند هرگز در آثار مستند هرگز در ردیف آثار هنری سینما قرار نخواهند گرفت ولی برخلاف این تصور، در آثار مستند نیز کارگردان مانند سایر انواع فیلم، در بوجود آمدن اثر و انتخاب عوامل سازنده آن از قبیل سوژه، ریتم نحوه بیان مطلب، دخالت مستقیم دارد. باین ترتیب می‌بینم که فیلم مستند نیز می‌تواند دارای شرایط و امتیازات یك اثر ارزنده سینمائی باشد.

درست است که در فیلم مستند کارگردان به شرح واقعیات

www.takbook.com

می‌پردازد و گاهی این واقعیات را بدون هیچگونه حشو و زوائد و دخالت شخصی بیان می‌دارد .

اما آنچه باین واقعیات فرمها و اشکال گوناگون می‌بخشد «بیان» آنها است ودر این مرحله است‌که فیلمسار نقش اصلی خود را ظاهرمی‌سازد .

۲ ـ **انواع فیلمهای مستند** : فیلمهای مستند را می‌توان بشکل زیر تقسیم بندی‌کرد :

ـ فیلمهای مستند از زندگی بشر که چگونگی آنرا درشرایط ودرموقعیت‌خاص جغرافیائی مطالعه میکند (داستان لوئیزیانا ۱۹۴۸)

ـ صحنه‌هائی اززندگی روزمره(کاراکورنا۱۹۳۷)

ـ صحنه‌هائی اززندگی حیوانات (صحرای زنده)

ـ فیلمهای مستند علمی از زندگی‌نباتات ، حیوانات و غیره .

ـ فیلمهای مستند از مناظر وصحنه‌های طبیعی .

ـ فیلمهای مستند که با استفاده از مدارك و شواهد تاریخی تهیه شده‌اند .

www.takbook.com

ـ فیلمهای مستند تهیه شده از آثار هنری از قبیل تابلوهای نقاشی، مجسمه‌ها وغیره.

ـ فیلمهای مستند اززندگی اشخاص معروف.

ـ فیلمهای مستند از وقایع‌خبری.

باشگاه ادبیات

www.takbook.com

۱۹

فیلمهای تراژیك

در بیان «تراژدی» گفتداند : «تراژدی نوعی ازانواع نمایش است که احساساتی ازقبیل: وحشت ، ترس ، شفقت و تأثر در بیننده بوجود می آورد دراین قبیل نمایشات تماشاگران باحوادثی شوم وتأثر آورکه نتیجه اعمال و افکار قهرمانان داستان است ، روبرو می باشند . »

کلمه «تراژدی» از تآترهای یونان باستان گرفته شده وبعد از آن درادبیات سایر کشورها به‌نوع خاصی از داستان ونمایشنامد اطلاق گردید .

تراژدی برحسب عوامل بوجود آورنده هسته اصلی وقایع ، اشکال مختلف دارد . بطورکلی تراژدی را میتوان به سه‌نوع عمده تقسیم کرد :

www.takbook.com

ـ تراژدی اشیاء واماکن .

ـ تراژدی حوادث .

ـ تراژدی احساسات .

تراژدی اشیاء و اماکن اکثرا در آثار مستند دیده می‌شود .

تراژدی حوادث غالبا در فیلم‌های داستانی حادثه‌ای وجود دارد .

تراژدی احساسات بنوبه خود انواع مختلف ازقبیل درام ـ ملودرام تقسیم میشود . دراین‌نوع تراژدی، عواطف واحساسات بشری عامل‌اصلی بوجودآورنده حوادث است .

www.takbook.com

۲۰

فیلمهای کمدی

کمدی از ریشه لاتین «کمدیا» گرفته شده و آن در اصل نوعی از پیس است که ضمن ارائه نقاط ضعف، معایب و خصوصیات اخلاقی قهرمانانش بیننده را بخنده نیز وا می‌دارد.

کمدی را میتوان بدوشکل کلی تقسیم کرد.

۱ـ کمدی اشیاء ـ حوادث وحرکات.

۲ـ کمدی افکار ـ برخوردها وموقعیتها.

نوع اول کمدی همواره از حوادث غیر مترقبه و تعجب آور از قبیل فرار و تعقیب ـ سقوط ـ برخورد و تصادم، تغییر شکل و اشتباهات پی در پی بوجود میآید. فیلمهای اولیه کمدی صامت ازاین نوع هستند. نوع دوم کمدی که کمدی برخوردها وموقعیت‌هااست قهرمانان داستانرا تحت شرایطی

www.takbook.com

قرار میدهدکه در بیننده ایجاد خنده میکند . در این نوع کمدی روانشناسی پرسوناژها وعکس‌العمل‌هایشان در برابر پیش‌آمدها مورد بررسی قرار میگیرد .

در سینما کمدی ازشکل کلاسیك خود خارج شده و با استفاده ازامکانات آن بنوع تازه‌ای‌ازکمدی تبدیل می‌شود که می‌توان آنراکمدی «بصری» نامید. بهمین جهت درسینما انواع تازه‌ای از کمدی بوجود میآید که مهمترین آنها کمدیهای آمریکائی است که توسط «مك‌سنت» و «چاپلین» پایه‌گذاری شد و توسط «فرانك کاپرا» و «جان‌فورد» ادامه یافت . کمدی موزیکال نیز نوع دیگری از کمدیهای سینما است که در آنها داستانهای عاشقانه همراه باشوخیهای سبك وآوازهاورقص‌های متعدد عرضه می‌شود . سینمای هریك‌از کشورهای جهان درعین‌حال کمدی خاصی‌را درسینما بوجود آورندکه نمایشگر طبایع وسلایق مردمان همان‌کشور بود .

www.takbook.com

۲۱

فیلمهای حماسی

حماسه غالباً بازگوکننده افسانه‌های باستانی و تاریخی است. مشخصه بارز حماسه اغراق ومبالغه در واقعیت است.

حماسه محل تجلی عالی‌ترین احساسات بشری است که در آن قهرمانان داستان با نیروهای اهریمنی واعمال پلید بشری به مبارزه برمیخزند. پیروزی خیر بر شر وفرشته بر اهریمن در پایان حماسه یك ضرورت بدیهی است، با اینحال گاهی درپایان حماسه قهرمان داستان که مظهر پاکی وشجاعت است درمبارزه با نیروهای اهریمنی بزانودرمی آید و میمیرد. اما هرگز تسلیم نمیشود و در مقابل دشوارترین پیش آمدها، احساس ضعف نمی‌کند مرگ برای قهرمان حماسه یك نوع پیروزی است.

درسینما، «حماسه» درنوع «وسترن» بوجودمی آید

www.takbook.com

این نوع فیلم بخوبی تمام قراردادهای «حماسه» را باقهرمانان شناخته شده‌اش بخود اختصاص میدهد سینمای «وسترن» درطول تاریخ سینما همواره یکی ازستوارترین و بارورترین انواع فیلم را عرضه داشته است.

«وسترن» با جنبه‌های خاص فولکوریك فقط به سینمای آمریکا تعلق دارد ودراین کشور بودکه بسیاری از فیلمهای «وسترن» که در زمره آثار کلاسیك سینما قرار گرفته‌اندبوجود آمد. گذشته‌ازقهرمانان «وسترن» که‌دارای خصایلی نظیر خصایل قهرمانان حماسی هستند، مشخصه دیگر سینمای «وسترن»زمینه‌وقوع حوادث است که‌اکثراً صحرا، کوهستان، جنگل وبطورکلی طبیعت می‌باشد.

در سینما انواع دیگری از فیلم وجوددارد که شاید بتوان آنها را از بعضی جهات درزمره آثار حماسی دانست ازقبیل «ناپلئون» اثر «آبل‌گانس» «زره دارپوتمکین» و «آلکساندر نوسکی» اثر «آیزنشتین» و «زنده‌باد زاپاتا» اثر «کازان»

www.takbook.com

۲۲

فیلمهای شاعرانه

با آنکه سینمارا تصویر زنده‌ای از واقعیات زندگی می‌دانند ، معهذا می‌بینیم که سینما بندرت دربند واقعیت محض بوده‌واکثراً برای بیان اندیشه‌هاوتجسم آنهاکاراکترهای غیرعادی و فانتزی بکار گرفته شده است زبان‌سینما گاهی لحن تراژدیك ، گاهی‌لحن‌کمدی و گاهی هم لحن شاعرانه بخود میگیرد . بدیهی است که در سینما « لحن» شاعرانه دارای ابعاد تصویری است و محتوی خود را با ریتم آرام و ملایم وتوأم بافانتزی بیان می‌دارد نظیر آنچه در «شعر» با وزن و آهنگین بودن‌کلمات توصیف می‌شود .

شاعران‌بزرگ سینمانظیر «رنه‌کلر» و «ژان‌کوکتو» بیش از هرفیلمساز دیگری از عوامل تصویری برای بیان مضامین شاعرانه استفاده‌کرده‌اند،گرچه زبان سینمائی آنها

www.takbook.com

در سینمای خشن‌وشهوانی امروز زبان کهنه وفراموش‌شده‌ای است با این‌حال فیلم‌های شاعرانه‌ای چون « رویای شیرین و « جن و پری » هنوز هم بعنوان یك شعر ناب تصویری مقام خود را در ردیف آثار بزرگ و کلاسیك سینما حفظ کرده‌اند .

باشگاه ادبیات

www.takbook.com

فرهنگ اصطلاحات سینمائی

www.takbook.com

حرکت Action

✿ درلغت بمعنی حرکت و عمل است. کارگردانهای انگلیسی زبان این کلمه را برای شروع بازی هنرپیشگان سرصحنه فیلمبرداری بکار میبرند.

اقتباس Adaptation

✿ درسینما اقتباس عبارتست از برگرداندن یك پیس یك رمان یا یك اثر اوریژینال بفرم و زبان فیلمیك. در این عمل غالباً سناریست یا فیلمساز بدلخواه تغییراتی در متن اصلی نیز بعمل می‌آورد.

آمبیانس Ambiance

✿ درلغت بمعنای آن چیزهائی است که بطور مجازی فضائی را اشغال کرده باشد. درسینما نیز آمبیانس همین معنی را دارد فرضا در یك مهمانی با شکوه، آمبیانسی اشرافی

www.takbook.com

درصحنه بوجود می آید (صحنه مهمانی درفیلم یوزپلنگ) در فیلمبرداری این کلمه بوسایلی اطلاق میشود که جلوی پروژکتورها قرارگرفته وکارشان ایجاد سایه‌روشن وافه‌های مورد نظراست .

پلان آمریکائی American (Plan)

✿ نوعی از کادر است که درآن پرسوناژها از نیمه پائین بدن بریده شده‌اند . در انگلیسی بآن مدیوم شات Medium Shot میگویند .

فرانسویها نخستین‌بار این‌نوع پلان را درسال ۱۹۱۱ از سینماگران آمریکائی اقتباس کردند و ازآن موقع آنرا پلان آمریکائی نامیدند .

نقاشی متحرك Animation

✿ در لغت بمعنی تحرك و جان بخشیدن است . در سینما به‌نوعی فیلم اطلاق میشودکه درآن اشیاء و پرسوناژ های نقاشی‌شده متحرك بنظرمی‌آیند . این نوع فیلمها که

www.takbook.com

درزبان‌فارسی آنرا فیلمهای نقاشی متحرك می نامیم بوسیله یك سلسه تصاویر که هر کدام قسمتی ازحرکت‌را مجسم‌میکنند، ساخته میشوند .

هنر هفتم Art (Septieme)

✿ منظور ازهنرهفتم سینما است‌که برای اولین‌بار توسط یك‌شاعر ایتالیائی بنام «ریچیوتوکانورو» بکاربرده‌شد.

فیلمبردار Cameraman

✿ در سیستم‌های بین‌المللی فیلمسازی ، فیلمبردار (کامرامن) شخصی است که پشت دوربین قرار می‌گیرد و ضمن‌گرفتن فیلم‌هنرپیشگان رانیز بادوربین تعقیب میکند. درحالیکه تنظیم‌نور وتعیین دیافراگم واحیاناً انتخاب عدسی و کادرها با مدیر فیلمبرداری است . در زبان فرانسه به‌فیلمبردار « اپراتور» می‌گویند .

سانسور Censure

✿ مجمع‌کنترل رسمی فیلم متشکل در سال ۱۹۱۶

www.takbook.com

درفرانسه توسط «مالوس» ودرایالات متحده بوسیله فرمانداران درطول سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۰ .

مجمع سانسور امروزه درغالب کشورها شکل واحدی دارد و بدون اجازه این مجمع هیچ فیلمی نمی‌تواند برای نمایش عمومی روی برده بیابد .

سانسوردارای دوجنبه مختلف است یکی سانسور مقدماتی که شامل بررسی سناریو وصدور اجازه فیلمبرداری از آن است و دیگری سانسور فیلمی که آماده نمایش است مجمع از هیئتی تشکیل شده که در آن نمایندگان فیلمسازان ودولت یا حکومت هر کشور شرکت دارند. سانسور سه شکل مختلف دارد: ۱ـ منع نمایش کامل یك فیلم ۲ـ ممنوعیت مشاهده برای افراد کمتر از سن معینی ۳ ـ حذف قسمت یا قسمتهائی از فیلم . علاوه براینها نوع دیگری ازسانسور مذهبی یاسیاسی وجوددارد که درهرمکان وهرزمان تحت شرایط خاص انجام می‌گیرد .

کیسه تعویض Charging Bage

✿ کیسه‌ایست از پارچه سیاه رنگ با دو آستین که کمك فیلمبردار داخل آن فیلم خام‌را ازجعبه بیرون آورده

www.takbook.com

وکاستهای دوربین‌را پرمی‌کند. این‌کیسه ضمن فیلمبرداری در هوای آزاد، وقتی به تاریکخانه دسترسی نیست، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شاریو Chariot

✿ چهار چرخ‌ایست باچرخهای لاستیکی‌که روی زمین یا روی ریل حرکت می‌کند و ازآن برای تراولینك (فیلمبرداری با دوربین متحرك) استفاده می‌شود. نوع دیگری از این چهار چرخه وجود دارد که بوسیله آن می‌توان حرکات پیچیده تری را انجام داد. نوع اخیررا دالی Dolly می‌نامند.

سینه‌کلوب Cine Club

✿ تشکیلاتی‌است‌که‌توسط‌علاقمندان‌بسینما‌بمنظور نمایش آثار کلاسیك و با ارزش سینمائی بوجود می‌آید. درجلسات نمایش سینه کلوب‌ها غالباً درباره فیلمها بحث و تفسیر بعمل می‌آید. اولین سینه کلوب درسال ۱۹۲۵ توسط «شارل‌شره» درفرانسه‌بوجودآمد، درسال ۱۹۴۵ «فدراسیون

www.takbook.com

فرانسوی سینه کلوبها» تشکیل شدودرسال۱۹۴۶«فدراسیون بین‌المللی سینه‌کلوبها» بوجود آمدکه سینه‌کلوبهای معتبر سراسرجهان درآن‌عضویت دارند .

سینما سکوپ Cinemacope

* نوعی عدسی است که بوسیله آن میتوان روی فیلمهای ۳۵ یا۱۶ میلیمتری معمولی ، زاویه بازتری را ضبط کرد . این عدسی بوسیله یکی از المانهای خود تصویر را فشرده کرده و بهمان شکل روی فیلم منعکس میکند .

هنگام نمایش عدسی‌دیگری‌بطورمعکوس‌عمل‌کرده و تصویر را گسترده‌تر از حد معمول روی پرده‌ای با نسبت ۲٫۶۶ × ۱ نشان می‌دهد .

موارد استعمال این‌عدسی‌بیشتر در فیلمهائی است‌که درآنها مناظر طبیعی ویادکورهای عظیم و مجلل نشان‌داده میشود .

سینما تك Ciuema theque

* سازمانی‌برای نگهداری فیلمهای سینمائی‌بمثابه

www.takbook.com

آثار هنری. ازسال ۱۹۱۹ لزوم تاسیس موزه‌ای برای نگهداری آثار ارزنده سینما ومصون نگهداشتنشان از خطر انهدام، احساس شدوسر انجام درپاریس سینماتکی بنام «سینماتك شهرپاریس» توسطویکتور پروتأسیس گردید

در این موزه فقط به نگهداری فیلمهای مستند و آموزشی اقدام میشد، درسال ۱۹۳۶ سایرانواع فیلم نیز به‌این موزه راه یافت واز آن زمان سینماتك پاریس بصورت گنجینه‌ای از آثارسینماگران بزرگ درطول تاریخ سینمادر آمد. درسایر شهرهای بزرگ دنیا ازقبیل لندن و نیویورك نیز اقدام به تأسیس سینماتك (آرشیوفیلم)شده‌است. سینماتکها معمولا آثاری راکه در اختیار دارند، طی جلساتی برای علاقمندان بمعرض نمایش می‌گذارند.

سینه راما Cinerama

* نوعی از نمایش فیلم است که توسط سه پروژکتور وسه باندفیلم مجزا انجام میشود. هدف ازاین طریقه نمایش پرده وسیع‌تر و ایجاد بعداست. سینه را ما در سال ۱۹۳۵ توسط «فردآستر» اختراع شدو در طول جنگ جهانی دوم

www.takbook.com

برای آزمایش خلبانها مورداستفاده‌قرارگرفت . این‌طریقه درسال ۱۹۵۲ وارد سینمای تجارتی گردید و در این‌سال در نیویورك‌اولین‌فیلم‌سینه‌راما‌بمعرض نمایش‌درآمد . تصاویر سه‌گانه سینه‌را ما دارای ابعاد تقریباً مربع شکل هستند . صدای فیلم‌روی‌نوار دیگری‌قراردارد‌که‌دارای‌شش‌باند‌است بهنگام نمایش فیلم‌سینه‌را ماچهارپروژکتور(سه پروژکتور تصویر ویك پروژکتور صدا)تواماً‌حرکت میکنند ودر هر ثانیه بیست‌وشش‌تصویر‌ازجلوی دریچه نورمیگذرد . بوسیله این‌طریقه میتوان افه‌های تصویری جالبی بوجود آورد . درعوض‌بعلت مشکلاتی‌که‌ضمن فیلمبرداری (با سه دوربین وجود دارد ، مورد توجه فیلمسازان قرار نگرفت وفقط در سالهای اولیه اختراع بعنوان یك نوع « نمایش » جدید تماشاگران را جلب کرد .

کلاکت Claquette

* کلاکت تخته سیاهی است که روی آن نام فیلم ، نام‌کارگردان ، شماره‌سکانس ، شماره پلان و تعداد دفعات فیلمبرداری‌شده رامینویسند ودرشروع‌هرپلان آن‌راجلوی

www.takbook.com

دوربین گرفته وچندکادر از آن فیلمبرداری میکنند . بعد در مونتاژ سکانسهاوپلانهارا(کهاکثراً پشت‌سرهم وبه‌ترتیب فیلمبرداری نمیشوند) از روی کلاکت ردیف میکنند . در فیلمهائی‌که صدا سرصحنه‌گرفته میشود ، مأمور نگه‌داشتن کلاکت باصدای بلند شماره پلان‌وتعداد دفعات را ادامیکند (برای ضبطروی‌نوار صدا)وبعد قسمت تحتانی کلاکت راکه بوسیله‌لولائی‌بقسمت‌فوقانی‌متصل‌است ، بقسمت بالامیکوبد صدائی‌که ازاین‌عمل‌ایجادمیشود ، برای‌تطبیق صداوتصویر (سینك) مورد استفاده قرار میگیرد .

کلوزاپ Close up

* تصویردرشت ـ کلمه‌ایست که در سینمای آمریکا بتصاویردرشت اطلاق‌میشود . در فرانسه Grosplan معادل آن است .

کورمتراژ Court Metrage

* فیلم کوتاه ـ نوعی‌ازفیلم است که‌دارای جنبه‌های مستند ویا بصری بوده ومدت نمایش آن‌اکثراً ازسی دقیقه

www.takbook.com

تجاوز نمیکند . فیلمهای کوتاه در آمریکا و اروپا معمولا قبل ازشروع فیلم اصلی درسینماها نمایش داده میشود . بیشتر کارگردانهای جوان امروزی کار خود را در سینما با تهیه فیلمهای کوتاه شروع کرده‌اند . بعضی ازفیلمهای کوتاه بخاطر ارزشهای بصری فراوان مورد تحسین قرار گرفته ودر زمره آثار کلاسیك سینما در آمده‌اند . مانند «شب و مه» اثر «آلن رنه» .

کات Cut

* اتصال دوپلان را بدون هر گونه تروکاژ از قبیل فوندویا آنشنه ، کات گویند . بعبارتی دراین حالت پلانی به پلان دیگر کات میشود . در لغت این کلمه بمعنی قطع و بریدن است وهم‌چنین اصطلاحی است که کارگردانها آن را برای متوقف ساختن دوربین فیلمبرداری وقطع صحنه بکار می‌برند .

دکوپاژ Decoupage

* پس از آماده شدن سناریو ، کارگردان فیلم برحسب موقعیتهای در اماتیك داستان ، سناریورا به پلانهای مختلف

www.takbook.com

تقسیم میکنند که هر کدام با شماره‌ای مشخص می‌شوند . در مقابل این شماره غالباً نوع پلان (پلان درشت ـ پلان متوسط و یا پلان عمومی) نوع عدسی چگونگی حرکت دوربین (درصورتیکه پلان ثابت نباشد) و سایر نکات مورد نظر یادداشت می‌شود . هر کارگردان برحسب سبك واستیل خویش ، سناریوئی را که در دست دارد ، دکوپاژ می‌کند . بعد ازاین مرحله است که سناریو برای فیلمبرداری آماده می‌شود .

دالی Dolly

✿ نوعی از جراثقال است که روی یك چهار چرخه سوار شده ، بکمك این وسیله میتوان دوربین را باشکال و جهات مختلف بحرکت درآورد .

دوبلاژ Doublage

✿ دوبلاژ عمل برگرداندن دیالوگهای یك فیلم بزبان دیگراست . مسئله مهم دردوبلاژ ، سنکرونیسم‌است. برای حل این مسئله باید دیالوگ ترجمه شده را

www.takbook.com

حتی‌المقدور باحرکات لب و دهان بازیگران اصلی فیلم و خصوصاً سیلابها تطبیق‌داد . دراین کار غالباً بدیالوگ اصلی و نحوه بیان آن لطمه میخورد . در دوبلاژ (درآمریکا و اروپا) دیالوگ ترجمه شده ضمن نمایش فیلم بطور افقی زیر پرده ظاهرمیشود ودوبلورهاباتوجه بحرکات‌لب ودهان بازیگران ، دیالوگهارا ادا مینمایند . گاهی‌اوقات ضرورت ایجاب میکندکه بازیگران فیلم‌صدای خودشان‌را که‌گاهی سرصحنه نیزضبط شده است دوبله‌کنند . درصورتیکه صدا سرصحنه ضبط شده باشد (این نوع صدا را صدای راهنما میگویند) بازیگران این صدا را توسط گوشی شنیده و ضمن دیدن فیلم، همان جملات را که قبلا گفته‌اند ، تکرار میکنند .

اینسرت Insert

✿ تصویرخیلی‌درشت از یک شیئی یاصورت واندام انسان .

میکساژ Mixage

✿ میکساژ دراصطلاح‌سینمائی عبارت است ازضبط

www.takbook.com

صدای نوارهای مختلف فیلم روی یک نوار واحد. باین ترتیب که ابتدا هریک از نوارهای: موزیک ـ دیالوگ و صداهای متفرقه را با تصاویر فیلم سینکرو نیزه «منطبق» میکنند. در پایان کار صداگذاری، چندین حلقه نوار برای هریک از پرده‌های فیلم آماده می‌شود که روی هریک از آنها صدائی بخصوص ضبط شده است و باید تمام آنها باتوجه به‌مقدار شنیدنشان، روی یک نوار واحد منتقل شود. این عمل را که میکساژ میگویند از مشکل‌ترین مراحل صدا ـ گذاری است و برای انجام آن به تخصص و مهارت فراوان احتیاج است. باند صدای میکس شده برای انتقال بحاشیه صوتی فیلم، تبدیل بصدای نوری میشود.

مونتاژ Montage

✿ در فیلمهای داستانی معمولا سکانسها و پلانهای آن برحسب امکانات، بدون ترتیب منطقی از نظر داستان فیلمبرداری میشود. درمرحله مونتاژ است که این پلانها و سکانسها از روی شماره کلاکت به‌ترتیب پشت سر هم چسبانیده

www.takbook.com

می‌شود وفیلم شکل می‌گیرد . بامراجعه به‌کپی مونتاژ شده که دراصطلاح کپی کارگفته میشود ، نگاتیفها را نیز مونتاژ میکنند و سپس از روی این نگاتیفها کپی اصلی فیلم را بهر تعداد که لازم داشته باشند چاپ میکنند . بعضی از سکانسهای فیلمهای داستانی وفیلمهای مستند بخصوص ایجاب میکند که متصدی مونتاژ «مونتور» با استفاده از پلانهائی که دراختیار دارد در فیلم ایجاد ریتم کرده و از این طریق منظور کارگردان را القاءکند . دراین مرحله است که اهمیت کار مونتاژ ظاهر میشود .

پانکروماتیک Panchromatique

نوعی ازفیلم که در برابر تمام نورها دارای حساسیت است . بخصوص نورسبز که فیلم «اورتوکروماتیک» دربرابر آن حساسیت ندارد . امروزتمام فیلمهای سیاه وسفید از نوع « پانکروماتیک » هستند .

راش Rushes

✿ سری پلانهای مونتاژ نشده که ازروی نگاتیفهای

www.takbook.com

فیلم چاپ شده است . معمولا برای اطلاع از نتیجه کار ، صحنه‌ها را بهمان صورت که فیلمبرداری شده‌اند مشاهده می‌کنند . این صحنه‌ها را در اصطلاح «راش» میگویند.

اسکریپت گرل (منشی صحنه) Script Girl

وظایف منشی صحنه که معمولا از نهاعهده‌دار آن هستند بشرح زیر است :

۱ـ ضبط ارتباط میان پلانها

۲ـ اندازه‌گیری زمان هر پلان برحسب دقیقه و ثانیه.

۳ـ یادداشت هرگونه تغییر در دیالوگ و یا جزئیات صحنه .

۴ ـ ترسیم کروکی و محل هریک از بازیگران و اشیاء موجود در صحنه .

۵ـ یادداشت نوع لباس و آرایش بازیگران در هر صحنه و بسیاری از مطالب دیگر که در مونتاژ راهنمای مونتور خواهد بود. منشی صحنه همیشه یک نسخه کامل از سناریوی دکوپاژ شده را در اختیار دارد .

www.takbook.com

زیرنویس Sous-titres

در زمان تهیه فیلمهای صامت دیالوگ‌های مهم هنرپیشگان جداگانه فیلمبرداری شده و در محل مناسب چسبانیده می‌شد. به‌این‌ترتیب تماشاگران درجریان‌داستان قرار می‌گرفتند. امروزه‌گاهی دیالوگ فیلمهای خارجی‌را بعوض دوبله، بزبان مورد نظر ترجمه کرده و زیر تصاویر چاپ می‌کنند. استفاده از زیرنویسی‌باعث می‌شودکه صدای اصلی هنرپیشگان فیلم از بین نرفته ودر ضمن تماشاگران از مفهوم گفتگوها مطلع‌گردند.

هنرپیشه بدل Stunt-man

هنرپیشه بدل‌کسی است‌که بجای هنرپیشگان اصلی فیلم‌درصحنه‌های خطرناك ازقبیل سقوط ازبلندی ویاتصادم اتومبیل ظاهر میشود.

سینکرونیزاسیون Synchronisation

✿ عمل انطباق صدا با تصویر را سینکرونیزاسیون

www.takbook.com

می‌گویند . صداهای فیلم که روی نوار مغناطیسی بطور جداگانه ضبط می‌شود ، بوسیلهٔ دستگاه مونتاژ با تصاویر منطبق گشته وسپس برای میکساژ آماده می‌شود .

سینوپسیس (خلاصه داستان) Synopsis

✿ معمولا هر سناریو دارای یك خلاصه داستان است که در آن طی چند صفحه حوادث اصلی داستان بدون دیالوگها وجزئیات صحنه ، بازگوشده است .

ترانس پارانس Transparance

✿ وسیله‌ایست که می‌توان بکمك آن صحنه‌های خارجی را در داخل استودیو فیلمبرداری کرد .

فرضا برای فیلمبرداری از سرنشینان اتومبیلی که درحال حرکت است ، قبلا مناظری از یك جاده را فیلم‌برداری کرده وسپس این مناظر را روی پرده‌ای در داخل استودیو نمایش میدهند، درهمین حال اتومبیلی جلوی این پرده قرار داده و هنرپیشگان داخل اتومبیل قرار گرفته و مشغول بازی می‌شوند ودوربین فیلمبرداری از این صحنه با کادر بسته فیلمبرداری می‌کند و هنگام نمایش چنین بنظر می‌آید که اتومبیل درجاده درحال حرکت

www.takbook.com

است . بااستفاده از این تکنیک درسینما امکانات‌فراوانی برای سایر انواع تروکاژ نیز بوجود می‌آید .

درزبان انگلیسی باین‌وسیله **Back Projection** می‌گویند .

تروکاژ Trucage

تروکاژ یاحیله‌های سینمائی درسینما انواع نامحدود دارد که بکمک آن هرگونه افه‌ای امکان‌پذیر می‌گردد . این‌افه‌ها یاهنگام‌فیلمبرداری‌بوسیله‌ماکت،تند یاکندکردن سرعت دوربین ، استفاده از پرده ترانس پارانس و یـا در لابراتوار بدست می‌آیند .

وسترن Western

نوعی از فیلم که داستان آن در غرب آمریکا و در شرایط خاص زندگی مردمان آن ناحیه بین سالهای۱۸۴۰ تا ۱۹۰۰ اتفاق می‌افتد . اکثر وسترنهای سینما دارای یک قهرمان اصلی و قرار دادی هستند که تمام داستان برگرد وجود او می‌چرخد .

www.takbook.com

این نوع فیلمها بازگوکننده حماسه‌های پیدایش و استقرار مردمان غرب آمریکا در سرزمین هـای بکر و دست نخورده آن‌نواحی می‌باشد . درست مثل حماسه‌های ادبی سایر ملل که تمام افتخارات و سربلندیهای روزگاران گذشته آنهارا بشکلی افسانه‌ای وفوق بشری بازگو میکند . سینمای وسترن دارای آثاری پرارزش وقابل‌توجه است‌که ازمیان‌آنها می‌توان :کاروان بسوی غرب (۱۹۲۳) دلیجان (۱۹۳۹) ماجرای نیمروز (۱۹۵۶) ـ شین (۱۹۵۳) و ریوبراوو (۱۹۵۹) را نام برد .

باشگاه ادبیات

www.takbook.com

بزودی منتشر خواهد شد:

فیلمسازی آماتوری
چگونه سناریو بنویسیم
چگونه فیلمبرداری کنیم
تاریخ سینمای ایران

« پلان عبارتست از بیان یك ایده در یـك تصویر »

صحنه ازفیلم : «ایوان مخوف» اثر ازنیشتین

www.takbook.com

زاویه سر بالا ـ دراین حالت دوربین پائین‌تر از سوژه مورد نظر قرار گرفته و بطور سر بالا از صحنه فیلمبرداری میشود .

صحنه از فیلم : «همشهری کین» اثر اورسون ولز

www.takbook.com

www.takbook.com

«تداخل عبارتست از تأثیر دو یاسه صحنه و یـا بیشتر
روی یك پلیکول واحد»

صحنه‌ازفیلم: «چرخ» اثرآبل گانس

حقه‌های سینمائی ازجمله عواملی است‌که میتواند بکار
فیلمساز کمك موثر بسیار نماید .

صحنه‌ای ازفیلم: دزد بغداد

www.takbook.com

www.takbook.com

«در بیان تراژدی گفته‌اند: تراژدی نوعی از نمایش است که احساساتی ازقبیل وحشت، ترس، شفقت و تأثیر در بیننده بوجود می‌آورد.»

دو صحنه از «هاملت» اثر لورنس اولیویه و گریگوری کوزنتسف

درهر داستان نفس حادثه است که حیات دراماتیك فیلم را پی‌ریزی می‌کند .

صحنه‌ای از: رودخانه سرخ ازهوارد هاکز

www.takbook.com

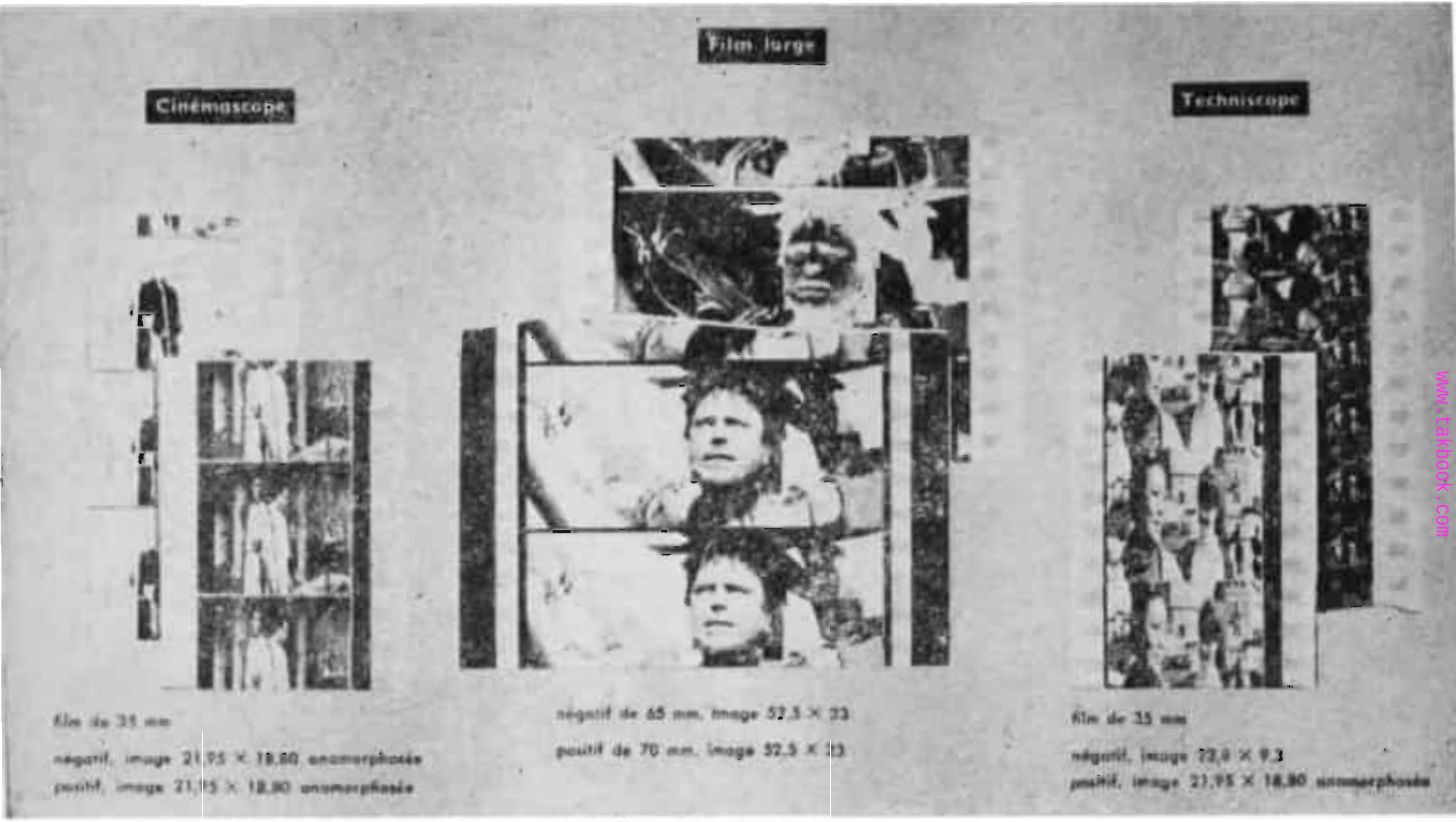

www.takbook.com

نگاتیف و پزیتیف فیلمهای سینماسکوپ ـ هفتادمیلیمتری و تکنی‌اسکوپ
فیلمهای ۷۰ میلیمتری، روی نگاتیف ۶۵ میلیمتری فیلمبرداری میشود .

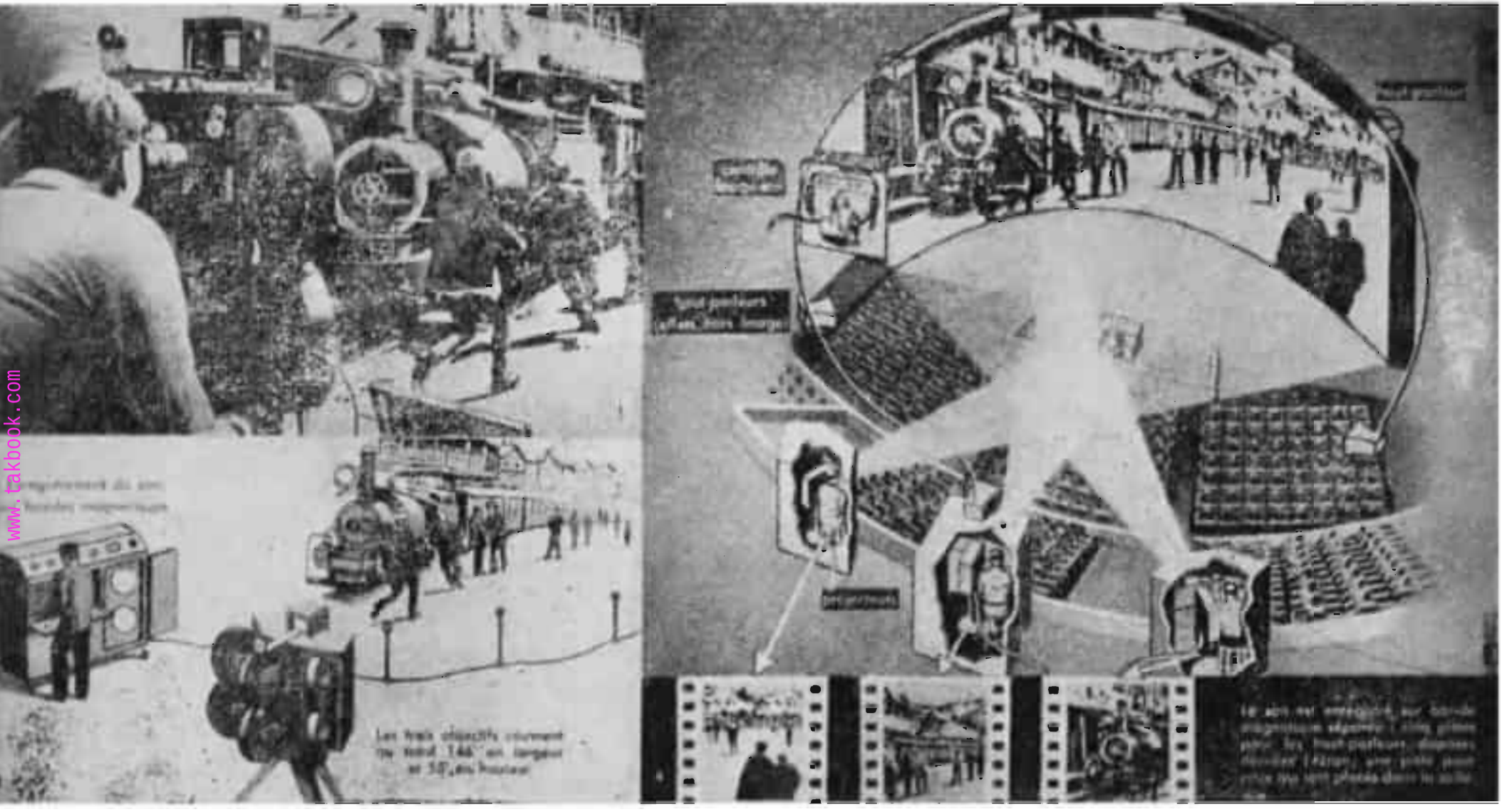

در ایـــن تصاویر نحوه فیلمبرداری و نمایش فیلمهای
سینه‌راما نشان داده شده است .

www.takbook.com

www.takbook.com

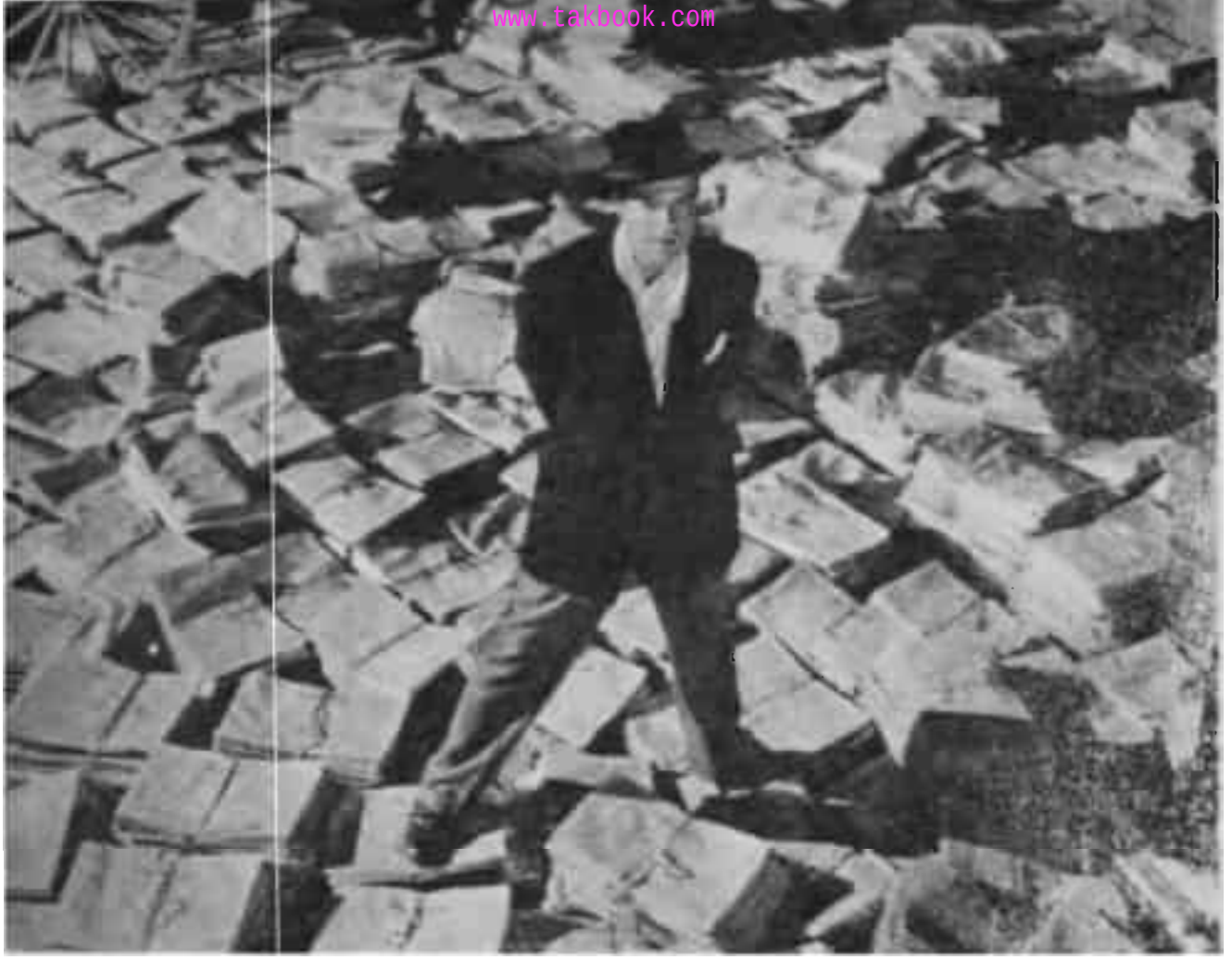

□ « زاویه سرازیر ــ در این حالت دوربین بالاتر از سوژه مورد نظر قرار می‌گیرد و بطور سرازیر از صحنه فیلمبرداری می‌کنند.»

صحنه از فیلم « همشهری کین» اثر اورسون ولز

۱۲ ـ « پلان درشت، چهره یا قسمتی از بدن پرسوناژ را درکادر دارد. »

صحنه‌ای از فیلم « مصائب ژاندارک » اثر درایر

www.takbook.com

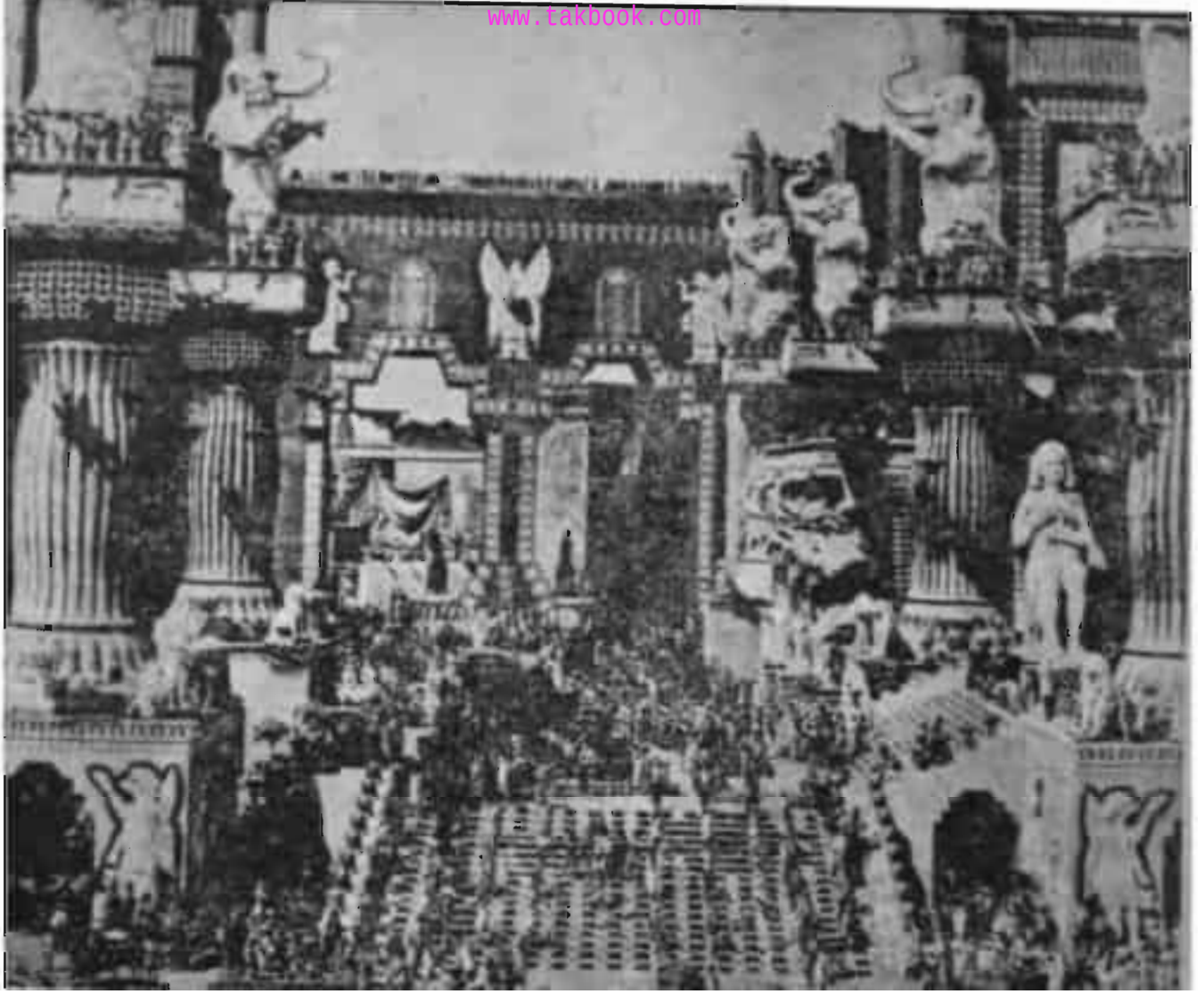

□ « پلان عمومی کادر اساسی و کلی صحنه را تعیین می‌کند . »

صحنه از فیلم «تعصب» اثر گریفیث

□ « مونتاژ نیز ایجاد وزن در فیلم ش عمده دارد »

صحنه معروف قتل‌م « اودسا » از فیلم ناویو تمکین»

www.takbook.com

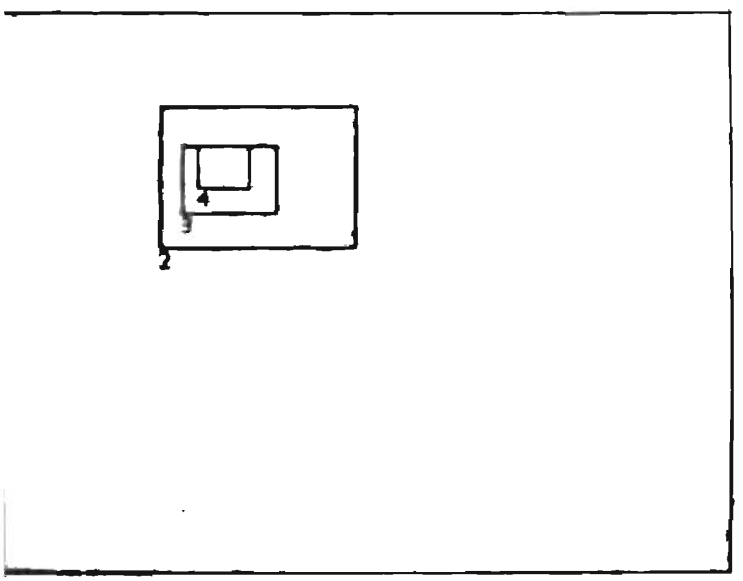

□ انواع پلان: ۱ ـ پلان عمومی ۲ـ پلان‌متوسط ۳ـ پلان درشت ۴ـ پلان خیلی درشت .
صحنه ازفیلم «یوزپلنگ» اثرلوکینوویسکونتی

www.takbook.com

□ «سینما در آغاز فقط وسیله‌ای برای ضبط حرکات بود.»
صحنه از فیلمهای : ورود ترن با ایستگاه ـ صبحانه کودک
(۱۸۹۵)

www.takbook.com

□ «در تعریف فیلمهای مستند باید گفت که این نوع فیلمها چهره واقعی جهان و موجودات آن را در ابعاد حقیقی عرضه میدارد.»

دو صحنه از فیلمهای «نانوک» و «موآنا» اثر رابرت فلاهرتی

www.takbook.com

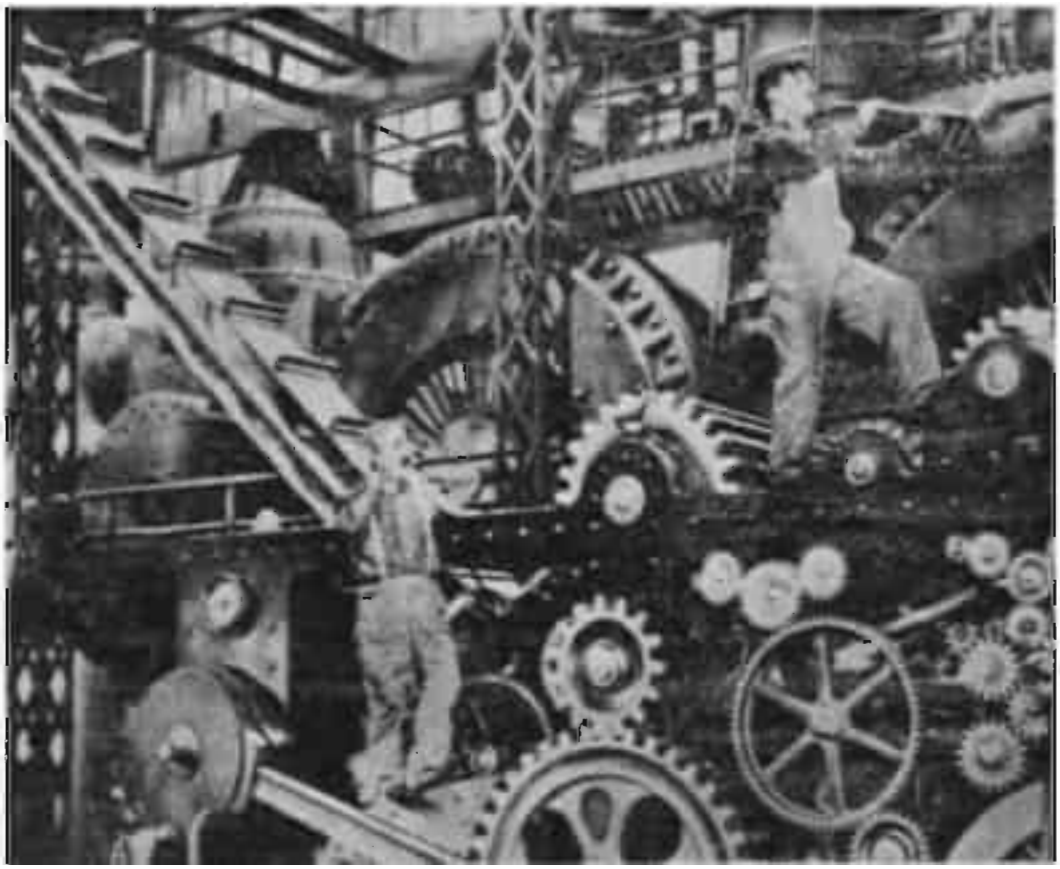

□ «کمدی دراصل نوعی از پیس است که ضمن ارائه نقاط ضعف، معایب و خصوصیات اخلاقی قهرمانانش. بیننده را بخنده نیز وامیدارد.

چارلی چاپلین در دو صحنه از فیلمهای «عصر جدید» و «روشنائیهای شهر».

www.takbook.com

□ «زبان سینما گاهی لحن تراژیك، گاهی لحن کمدی و گاهی هم لحن شاعرانه بخود میگیرد.»
صحنه از فیلم «جن و پری» اثر رونه کلمان

□ «مشخصه بارز حماسه اغراق و مبالغه در واقعیت است.»
صحنه از فیلم «ریو برااوو» اثر هوارد هاکز

□ «ترانس پارانس - وسیله‌ایست‌که می‌توان بکمك آن صحنه‌های خارجی‌را داخل استودیو فیلمبرداری‌کرد»

www.takbook.com

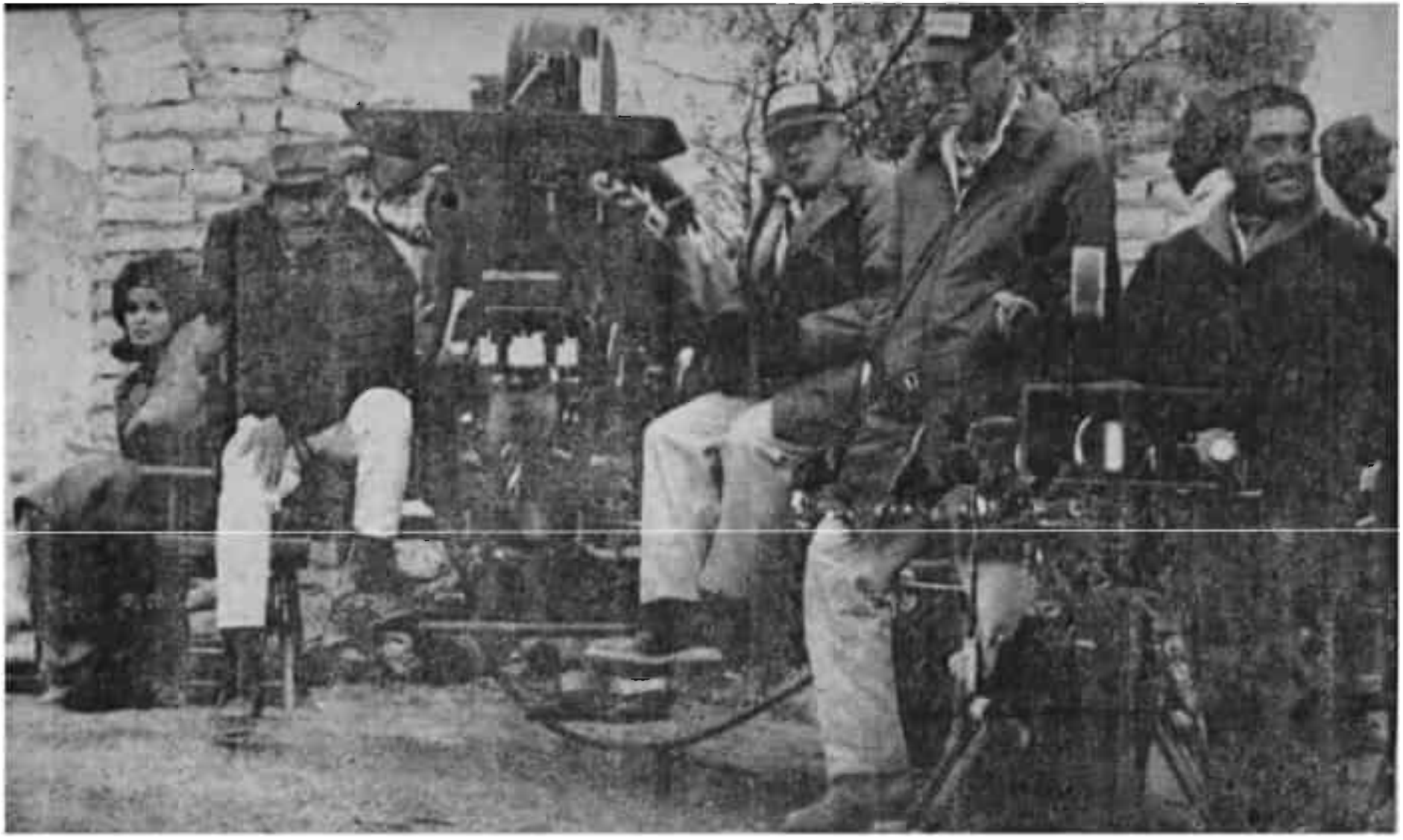

□ «نوع فیلم فیلم بستگی مستقیم بادید یا بینش خاص کارگردانش ازمسئله‌ای که مطرح مینماید دارد »

« سام پکین‌پا » هنگام کارگردانی صحنه‌ای از فیلم « سگ دندی »

www.takbook.com

www.takbook.com

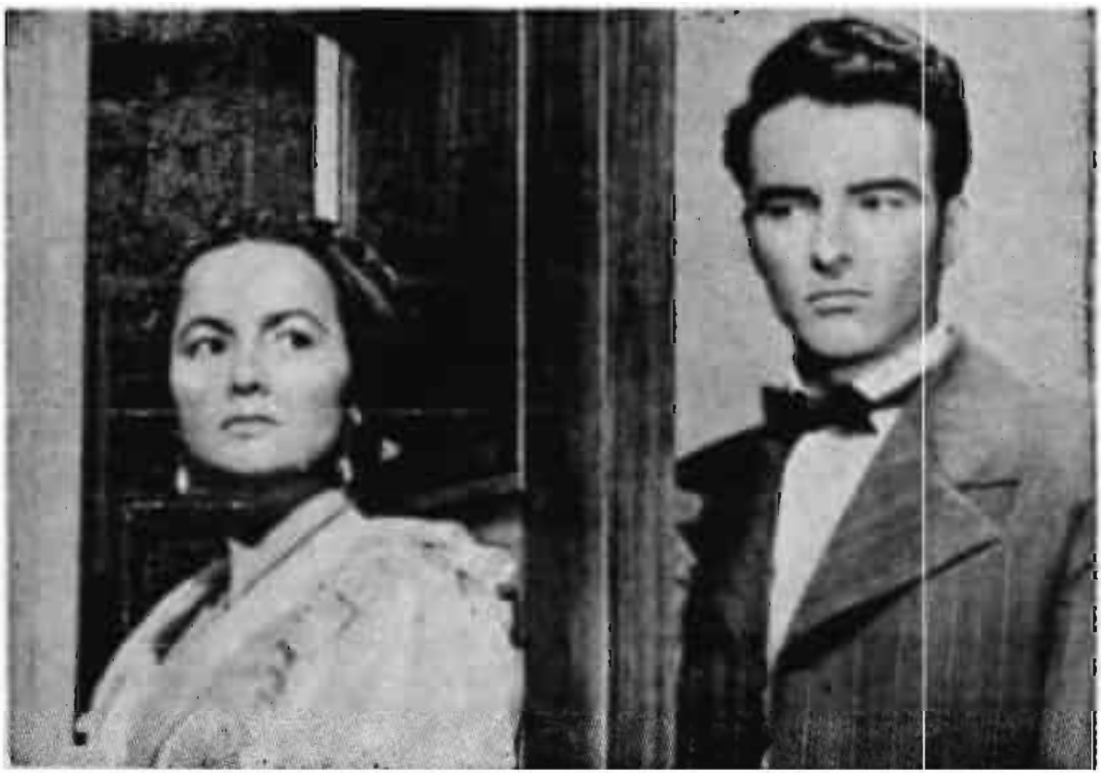

« دنیای درون تنها به‌بشروافکار واحساسات او اختصاص‌دارد،
دوصحنه ازفیلمهای «وارثه» و«کلکسیونر» اثر ویلیام وایلر

www.takbook.com

□ هریك از کارگردانها یك وشیوه خاص خود را دارند.
صحنه از فیلمبرداری «کسوف» آنتونیونی پشت دوربین قرار دارد و در جلو آلن دلون و مونیکا ویتی دیده می‌شوند

□ ـ «... بزودی آشکار شد که سینما با قدرتی سحرآمیز قادر به ضبط و بیان تمام آن نکاتی است که حتی شعر و ادبیات از توصیف آن عاجز بوده‌اند».
صحنه از «پرندگان» اثر هیچکاك

www.takbook.com

□ «سینما بیش از هر وسیله بیان دیگر قادر است با مخاطب خود رابطه برقرار سازد.»

صحنه‌ای از فیلم «تابستان» اثر رابرت مولیگان

□ «کروکاژ» یا حیله‌های سینمائی انواع نامحدود دارد که بکمک آن هرگونه افسانه‌ای امکان‌پذیر است.

صحنه‌ای از فیلم کینگ کونگ

www.takbook.com

□ « پس از اختراع سینمای ناطق لام نیز به‌عناصر مختلف وجود آورنده فیلم اضافه گردید . »

صحنه از فیلم «هاله» اثر «کینگ ویدور» از فیلمهای مهم سینمای

□ هدف از مطالعه و بررسی عوامل سازنده فیلم، کشف نکاتی است که سازنده اثر قصد بیان آنها را داشته‌است . »

صحنه از فیلم «دکامرون» اثر پازولینی

□ « هدف از مطالعه و بررسی عوامل سازنده فیلم، کشف نکاتی است که سازنده اثر قصد بیان آنرا داشته‌است . »

صحنه از فیلم «چهار صد ضربه» اثر فرانسوا تروفو

www.takbook.com

□ « سینما اولین و تنها وسیله بیان است کـه در آ
حد وحصری شناخته نمی‌شود »
صحنه ازفیلم «نابغه» اثرجری‌لوئیـ

□ « ر آلیزم یـا
بعبارتی واقـع بینی در
سینما مکتبی است که با
رداشت و نحوه فکـر
فیلمساز ارتباط دارد . »
صحنه از فیلم «دزد
دوچرخه» اثرویتوریو-
دسیکا

www.takbook.com

□ «زوایای فیلمبرداری در اوایل پیدایش سینما توسط فیلمسازان بسرعت کشف گردید و مورد استفاده آنها روشن شد.»

درک بوگارد و جمیز فوکس در فیلم «پیشخدمت» اثر جوزف لوزی

□ «میدانیم که هر تصویر فکر و مطلب محتوی خودرا بیان می‌دارد.»

صحنه از فیلم «طناب» اثر هیچکاک

www.takbook.com

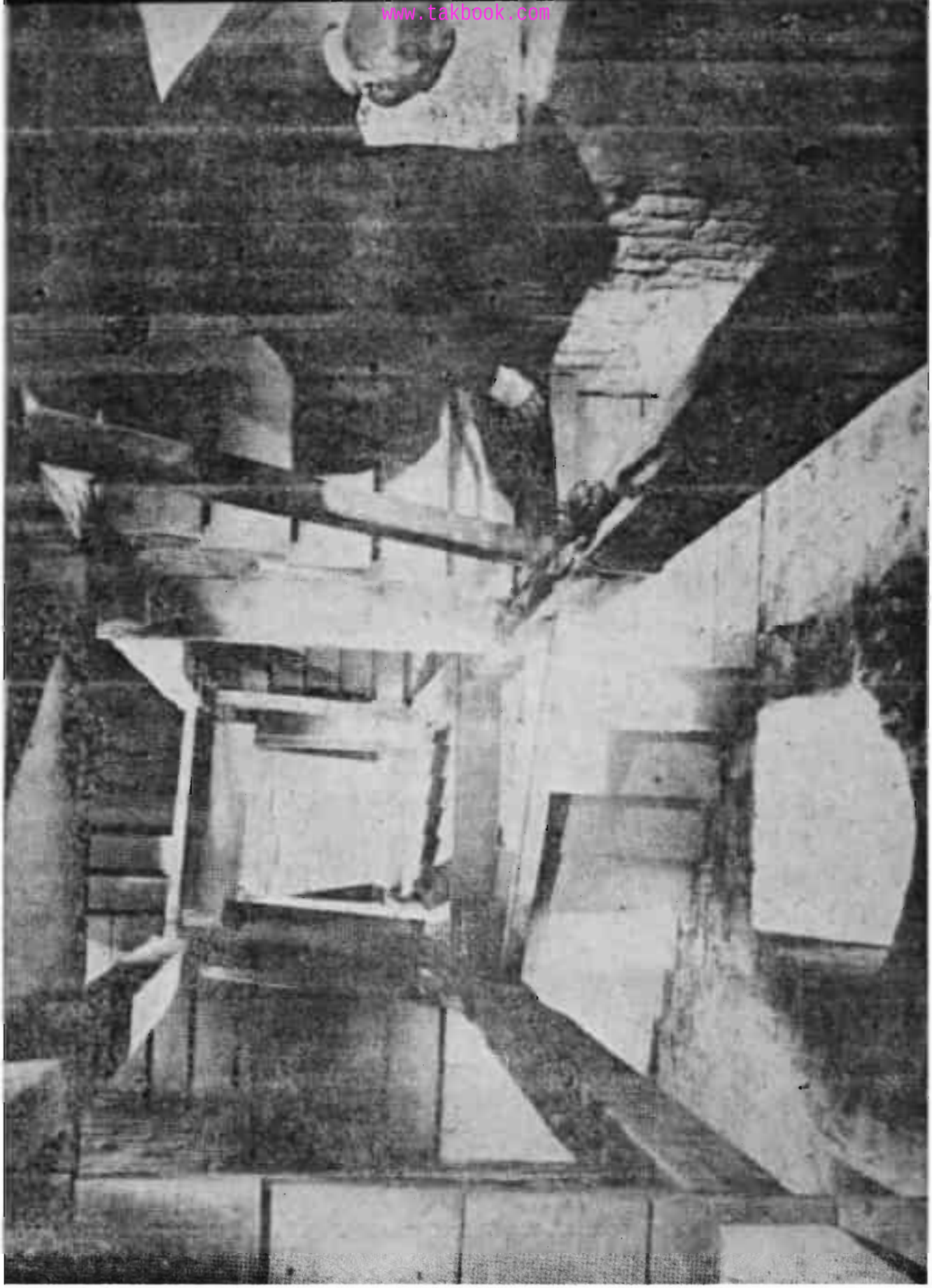

□ « برای فهم و درک یك اثر سینمائی ، اطلاع از قواعد دستوری و تجزیه و تحلیل اجزاء سازنده آن ضروری است »

صحنه ازفیلم « سرگیجه » ، اثرآلفرد هیچکاك